

هیچ را از سقیم مفروض را از بیفرض فرق نداده حق خویشاوندی و همسایگی را از دست ندادیم و اکثر گول طامر را خوردیم. کلفتی گردن و تکان دادن لب‌ها را اقوی دلیل و سند دین داری و کذابت و درایت قرار دادیم با آنکه چقدر اوراوی سری و غلنی بچاپ ژلاتین و سرب و سنگی بعنوان ایقات صبح و تشر شد، از حرفهای دخوی قزوینی است که هم در آن زمان میگفت (بیدار وکیل باش چرتت برد) و ما غافل از اینکه بی بصر را به استحضال چراغ نتوان کاشت، برخی صنف مادیان برای التاء سیادت و نجابت و بدرقه حقوق ملیت ما جمع آمده بودند که هم خود شان دزدان قافله شرف بودند، سخن در محفل بس باریک آمده نتوان یکی حل معا کرد که گناهی بزرگ و سندی عظیم در دست حمال بوده که در بوم و برزن فرانتش عموده و تعرفه وحشت ما قرار دهند، هیات که نتوان گفت و نتوان نیت تحویل سلطنت استبداد با شرایط بدست آوردن ضرق تعمیم معارف و رفع ظلم و اغانه مظلومین و تحدید حقوق بالسویه بود عای نادان میگوید، کدام یک از امانه و وکلای ما در توسعه و تعمیم معارف کوشید، کدام یک از ایشان برای حفظ حدود حقوق ما سنگر بست، عصبان و سیادت کدامشان مجازات داده شد، سلطنت دو سال قبل بی تغییر رسم همان سلطنت دو هزار ساله ظلمت و طبیعت بود با جزئی فرقی در صورت حاکم که فوای اقتداریه را از یک نفر رئیس‌المنبتین گرفته و تقسیم بر هزار نمودیم در آن دوره شخص مقصر یا آزاد بود یا مجازات میشد، ولی دو سال قبل اگر از دست کسی بیاری ائمه میتوانست مستخلص شد در دست آن دیگر گرفتار بود، هم حراً، تمام اینها ناشی از اغفال در صحت انتخابات بود کسی را که لیاقت مباشرت یکقریه و شخصیت یک خانواده را نداشت و برای حفظ انتظام خانه و زندگی خویش مستأصل بود بمقام منبع و کالتش رسانده و بر جمال بی کالتش صلوات فرستادیم، شخصی را که از بدو زندگانی جز افسونگری و شیطنت و خیانت و اذیت نوع از او دیده و شنیده نمی شد دستش را گرفته در مسند با شرف امانت نشانیدیم و در صورت سرزدن جلیانیت از ایشان باز سلام و تعظیم بجان

بآنها نمودیم

یکی از وکلای بدی را که بطهران گسیلش میداشتند اهالی بلد و محترمین بعنوان بدرقه به نزد وی شتافته و حوائج خود را به ضمیمه اشرفی و اسکناس عرص و درخواست مینمودند این بده هم در آنجا بود و آن شخص وکیل گفتم، او این وظیفه شما نسیم حقوق ایرانیان است بعد از قدری تأمل گفت، وقتی که جوان بودم نسیم میتوانستم گفتن ولی حالا اثر را بخوبی میگویم، متحیر شده که من چه گفتم و این چه جواب داد، بعد معلوم شد که گنگ است از تریبات و حله نقطه کله نسیم را شنیده همچو استفاده کرده که من برسیدم آیا نسیم میتوانم بگوئی یا نه چنین شخص چطور میتواند برای بستن ایادی حبرانه مستبدین اقدام و برای ملت اعمال صواب نماید، آنکه میداند و نمی کند بلکه هیچ میدانند و نمی توانند. عقیده دانشمندان معاصر این است که وکیل باید دانا و توانا و دارای شرف ذاتی و فطری باشد که منافع ملی را دانسته و مصالح امورات او را بتواند با یک وسیله سهل و ساده مرتفع دارد، بابر خدمت وطن هموطنان عزیز را مخاطب ساخته و میگوید ای کسانی که از طرف ملت انتخاب شدهاید بسیار و بیدار باشید که بعد از اینهمه ذات‌ها چرایی بیش پای ملت بگریید، خونهای جوانان ایرانی بسیار عزیز بود مبدا برخلاف میل و احساسات ملت رفتار نمایند که دست انتقام از کار باز مانده و خسته شده چشم نیکی باز و بطرف حسنات و سیئات اعمال را نگران است، تمام اعمال شما را اعم از نیت و بد اعلان و اعلام مینمایند تا هر عارف و عای مطلع باشد و در داخله و خارجه در صورت سوء نیت و سمایت در برهم زدن حیثیت ملی نکشت تا و طرف لعن و شتم خواهید بود باید دقت نموده و خود را ضرب المثل قرار ندهید (در خانه اگر کسی است یک حرف بس است)

از اخبارات تازه شهر مشهد اینکه انتخابات وکلاء بانجام پذیرفت در همین ایام عریضت طهران خواهند نمود

دو روز قبل اعلانی از کیده سری منتشر مشعر بر قتل و اعدام ده نفر از مستبدین نمره اول شب بعد و فاضل که یکی از علماء آنها شد است .

اسمش داخل در اسما عشره معینه بود سه تیر گاوله خورده و در شرف موت است صاحبان بقیه اسامی تماماً از شهر فرار نموده اند

دو روز قبل سه نفر از دزدان نامی را که سر دسته شان علامعلی خان لر بود در راه قوچان سالهای دراز بود که دزدی میکردند و بالغ بر هزار نفر کشته بودند و در اطار دستگیری شان خیلی مشکل بود دستگیر کاشنکان شجاع الدوله حکمران قوچان شد سر هایشان را بریده و مالای چوب رده امروز در میان شهر مشهد در کوچه و بازار میگرداند امضاء (ق - س - ن)

انجمن های ولایات نور و تامل نمایند

تلگراف وریر ماله باجمن اصفهان

جناب حلالتماب میرزا اسدالله خان پیشکار مالیه اصفهان زید مجده تلگراف توسط شراب الممالک و سواد تلگراف وزارت حلیه داخله راجع مامر محاسبه مالیه هذه السنه اصفهان ملاحظه شد و محل تعجب است شخص شما چرا باید اینگونه عنوانات را قابل تحریر بداید و این مسئله را فراموش کنید که احکام صادره از مجلس شورای ملی همه در حکم واحد هستند و وقوف بمیل و دلخواه گمی نیست که بعضی را قبول و برخی را رد کنند مثلاً مینویسید چند قره نقد و جنس و هم تفاوت تعبیر و برگشت تخفیفات موضوعی از حشو کتابچه دستورالعمل را از بابت دوساله قوی نیل و بیجی نیل داده و میدهند به عذر اینکه انجمن ولایتی تصویب نکرده است . اصلاً باید این مسئله را بخوبی دانست که انجمن ولایتی نمیتواند احکام صادره از مجلس شورای ملی را نسخ و قرض کند ،

در سنه قوی نیل و کلاه ملت و عقلاء مملکت و رجال دولت چه مجلسها که نشستند و چه گفتگوها که کردند تا کتابچه های دستورالعمل را تصحیح و جمع خرج مملکت را تعدیل کردند و هرچه کردند بلا عرض و بلا استنباه بوده ، تفاوت تعبیر همه حا علاوه گرفته و تخفیفات موضوعی در همه جا برگشت کرده انحصار باصفهان نداشته که اگر هم میداشت باز حق چون و چرا نداشتند ، چنانکه ولایات دیگر هم این احکام را اطاعت کرده با کمال رغبت امتثال کردند ، و همچنین تفاوت عمل حکومتی چیزی

نبوده و نیست که محل تردید باشد ، شما چرا آنچه را میدانید نمیگوئید که در زمان استیفاء سالی فلان مبلغ تفاوت عمل را با خدمتانه مأمور بتوسط خود شما و امثال شما دریافت میکردند ، این همه فداکاری در راه مشروطیت برای این بود که در ترقی مملکت و قدرت دولت سعی و جهد شود ، و گویا انجمن اصفهان تصور کرده اند که مقصود این بوده است انظام مملکت مختل شود ،

خوب درست ملاحظه کنید شما الآن مینویسید اصفهان معادل یکصد هزار تومان بل متجاوز بول لارم دارد اگر این طور پیش برویم ممالک ایران تقریباً چهل ایالت و ولایت شمرده میشود و تخمیناً سالی هشت کرور باید خلق طلا کرد که فقط بصارف داخله مملکت برسد مخارج سرحدی و قشونی هم که بجای خود باقی است ، مردم اصفهان در همه ایران بلکه در تمام عالم بفضل و فراست و هوش و ذکاوت ضرب المثل هستند و مسلماً متذکر این نکات و دقائق شده اند ، حالا وظیفه شما است که عن این تلگراف را خدمت اعلاء محترم انجمن ولایتی قرائت کنید و در هر موصوسی شرح و نسبت لازم بدهید و مخصوصاً توضیح نماید که مردم آذربایجان بچاره یازده ماه تمام جنگیدند و برگ درخت خوردند تیر و در عمارت خود را سوختند بشق مشروطیت و همیشه بمحبوب و مطلوب خود رسیدند فداکاری را از سر گرفتند . گذشته از آنکه تمام حقوق مشروطه دولت را بجان و دل میپردازند در صد جبران خسارات وارده هستند ،

اهل اصفهان که بحمدالله تعالی از هر محافظه ایمن و بهمت و غیرت جوانمردان عزیز بختیاری بدون اینکه یائ پیش بگذارند شهادت مشروطیت را در آغوش گرفتند ، باید امروز بشکرانه تربیات و تزیینات مقدم او را فراهم دارند تا جو فروش گندم نما خوانده نشوند ، بالجمله باره عنوانات در خصوص جمع دیوانی باید کنار گذاشت و مردم مملکت را که تازه بوصول مشوقه امنیت رسیده اند نباید بر رجه بدست عس تشویش داد . مالیات دولت چیزی نیست که از میان برود و احکام صادره از مجلس امکان ندارد نسخ و قرض شود که این همه امدار دماء و اتلاف نفوس و هتک

اعلیحضرت هایونی صادقانه مودت و وزیده و حقیقتاً دوستداران اعلیحضرت هستند و نهایت شرف را دارم که در این موقع احساسات مودت آمیز اعلیحضرت متبوع خود را بحضور مبارک تقدیم مینماید، بواسطه روابط دوستی و حسن مراودن که از قدیم الایم بین دولتین و ملتین آلمان و ایران بر قرار بوده خاطر خطیر ملوکانه مطمئن است که انقلابات اخیر ایران در آلمان محل توجه و از حسن خاتمت آن نهایت خورسندی حاصل شده است

دولت آلمان بهیچوجه در ایران مقصود پلنگی ندارد و آرزوی دولت آلمان آنستکه دولت ایران صاحب قدرت و شوکت گردد چه در این صورت تجارت ایران با آلمان و سایر ملل بطور دلخواه ترقی خواهد نمود

و چنانکه خاطر مبارک ملوکانه متحضر است مخصوصاً روابط تجارتی است که امروز اسباب ارتباط و اتحاد ملل را فراهم مینماید، نظر باین مقصود همواره سعی ننده مثل سابق آنست که اسباب تشدید روابط تجارتی بین مملکتین را فراهم نمایم و یقین دارم بواسطه نیاتیکه اعلیحضرت همیون در این مدت قلیل سلطنت خود ابراز فرموده‌اید (بی توان اطمینان کامل حاصل کرد که آخر الامر نظم و امنیت در ایران برقرار خواهد بود و اصحاب حضرت اشرف آقای نایب‌السلطنه که بکار دان و تجارب و فصاحت عقل معروف هستند نیز خود بزرگترین دلیل است که مملکت امنیت کامل حاصل نموده و منابع ثروتی خود را بکار انداخته توسعه خواهد داد

بنده میخوامم در این شرفیای توجه اعلیحضرت هایونی و حضرت اشرف نایب‌السلطنه را در خصوص مدرسه آلمانی که دولت آلمان در این پایتخت با زحمات زیاد تأسیس نموده است جلب نمایم، دولت علیه ایران سابق بر این مکرر حسن قبول و مساعدت خود را نسبت بمدرسه مرپور ابراز داشته و ننده اطمینان کامل دارم که اعلیحضرت هایونی و حضرت اشرف نایب‌السلطنه نیز الطاف و مراحم خود را نسبت بمدرسه اطهار خواهند داشت و بنده نیز چون خوب میدانم که این اساس علمی برای اهمیت را برای تربیت جوانان ایرانی خواهد داشت در آتیه مثل سابق نهایت اهتمام و جهد را در

امراض و اتلاف اموال در مقابل جبران وهنی بود که نسبت بیک حکم از آن شده بود و انصاف در مقابل نیکبانی که مردم اصفهان بمشروطه خواهی تحصیل کرده‌اند سزاوار نمیدانم که حالا تمام ولایات و قاطبه مردم ایران بفرض مندی و خود پرستی آنها را اسم ببرند، اینکه نوشته بودید بمحکومت حلیه اصفهان حکم شود این وجه را گرفته برسانند مسلماً جناب مستطاب اجل اکرم صمصام السلطنه دام اقباله تمام این دقائق و نکات را بخوبی رعایت مینمایند، و همین قدر که شما صورت خدمتشان بفرستید که مالیات دولت نقداً اصلاً تفاوت عملاً در نزد چند اشخاص باقیست فوراً از همان مردم کالی که بکمتر از ضرفه‌المن علم مشروطیت را در اصفهان افراشند حکم خواهند داد که مالیات دولت را هم وصول نموده پردازند، و اما در باب مالیات املاک سرکار با نوی عظمی تا بحال که در این موضوع راپورتی نداده بودید، حالا که اطلاع داده‌اید در مقام مذاکره برآمده ایم، و انشاءالله رودی اداء خواهد شد و نسبت به خارجی که از بابت مجاهدین و ادارات و غیره باحال نوشته بودید با آنکه من حیث الجهات خیلی گزاف بنظر میآید معذک لازم است هرچه زودتر صورت جزو این محارج را نوشته بفرستید، در آخر این تلگراف مینویسم که تفاوت عمل حکومتی و تفاوت تسعیر و تخفیف موضوعی از حیث جمع کلاً و تماماً بلا استثناء بحسب کتابچه دستورالعمل قوی تبل که بتصویب مجلس رسیده بود تا دینار آخر میباید ماخوز شود و شخص شما در وزارت مالیه مشول خواهید بود و اگر مانعی دارید باید بزودی اطهار نمائید تا انشاءالله تالی جداً رفع شود (وزیر مالیه) ۲۶ رجب

حقیق سیر آلمان مقدم السفراء
(در دربار ایران)

اعلیحضرتا، بانهایت افتخار نامه هاش را که بموجب آنها اعلیحضرت امپراطور آلمان و پادشاه پروس سلطان مغنم من مرحمت فرموده و مرا بسمت وزیر مختاری و ایلیگری مخصوص در دربار اعلیحضرت هایونی معرفی نموده اند تقدیم می نمایم اعلیحضرت امیراطور و وزیر مشهور من نسبت بان

نوسه و ترقی مدرسه مزبور بعمل خواهم آورد و امیدوارم که اعلیحضرت هایونی وحضرت اشرف آقای نایب السلطنه در انجام مشاعل محوله بمن نهایت مساعدت را خواهند فرمود و دولت علیه نیز برای تسهیل انجام خدمات من از هیچگونه استعانتی دریغ نخواهد نمود

از صمیم قلب ادعیه صادقانه خود را برای سعادت شخص شخیص اعلیحضرت هایونی و حضرت اشرف آقای نایب السلطنه اظهار داشته و شوکت و عظمت ایران را پس از این بحران عظیم از خداوند خواهانم

جواب حضرت اقدس نایب السلطنه

با نهایت شرف نامه جایزاً که بواسطه آنها اعلیحضرت امپراطور آلمان جنابالی را بسمت وزیر مختاری و ایلچی گری مخصوص بدربار دولت علیه معرفی فرموده اند بنام نامی اعلیحضرت اقدس هایونی می پذیرم و خاطر محترم را مطمئن میسازم که همان احساسات دوستانه و صمیمانه را که اعلیحضرت امپراطور آلمان نسبت بشخص شخیص اعلیحضرت هایونی ابراز میفرمایند اعلیحضرت متبوع مفخم من نیز نسبت بآن اعلیحضرت امپراطوری اظهار میدارند و نیت من آنستکه در حفظ و تشدید روابط حسنه بین دولتین آلمان و ایران که سالها برقرار ویست و پنج سال است که در تزیاید می باشد سی بلیغ نیام و برای تسهیل انجام وظایف محوله خصوصاً در امور راجحه بمدرسه آلمان خاطر محترم را از مساعدت و همراهی صمیمی دولت علیه اطمینان میدهم، زیرا که این اساس مقدس نتایج مطلوبه را حاصل خواهد نمود و از حسن انتخاب دولت امپراطوری آلمان که جنابالی را باین سمت معین نموده اند نهایت شرف و خورسندی را دارم چه محققاً برای اعلیحضرت امپراطوری انتخاب بهتر از این میسر نمیشود

لزوم تمر بر اسناد

(اعلان دیوان خانه عدلیه)

چون استنادیکه در معاملات متداوله بین مردم رد و بدل و در هیچ اداره و دفتری ثبت و ضبط صحیحی ندارد این مطلب اسباب مشاجرات لایقتهای مابین افراد ناس میشود

لذا در عدلیه اعظم دفتری موسسه دادگاه

دفترخانه عمومی تشکیل یافته است که کاپه اسناد از قبیل قبایله و مصالحه نامچه و بیع و شرط نامچه و انتقال نامچه و تمسک و غیره که در معاملات مردم رد و بدل و صیغه آن در حضور یکی از علما جاری میشود در دفتر مخصوص مزبور ثبت شده و الصاق تمر شده رسمیت خواهد داشت و در دعاوی و ترافاتی که ابراز میشوند مورد وثوق و محل اطمینان خواهند بود

هرگاه معامله فسخ و یا ادای دین شده باشد و یا بترتیبی مشروع مفاد اسناد از درجه اعتبار ساقط شود لازم است که دارندگان آن اسناد اداره دفتر خانه عمومی را مطلع نماید تا در صحنه که اسناد ثبت شده است فسخ یابد قرض و قطع معامله یا ابطال مشروع سند ثبت شده را با حضور طرف یاد داشت نماید که اسباب اشکالات و مرافعات واهی نشود، و این مسئله توضیحاً تصریح میشود نوشتجاتیکه بتر دیوان خانه رسیده و ثبت شده است دیوانخانه عدلیه و عموم مامورین آن نوشتجات را معتبر خواهند دانست، و هر کس این قبیل نوشتجات را به تمر دیوان خانه رسانده و رسم معمولی تمر را ادا نماید برای آیه اعتبار و رقابیت حال صاحبان اسناد مفید خواهد بود

شهر رحب ۱۳۲۷

(وزارت عدلیه اعصم)

اخبارات خارجه

درسان قشون فرانسه بالون جنگی (۳۵۰۰) فیت بلند و بین دو ساعت (۶۰) میل مسافت را می نمود
از فیض خبر رسیده که سلطان مراکو طاقت مدعی سلطنت را بقتل رسانید
از عدن خبر میدهند که طرفداران ملای سوماتی تند بر یکی از طوائف دول متحابه حمله آورده بسیاری را هلاک و مواشی زیادی را بشارت بردارند
در (بارسیلونا) از تاریخ ۱۷ ماه آگست الی ۲۰ سپتمبر ۸ نارنجك اتاده و مرتکب هجوم نشده است

وزارت استریا و هنگری در اخراجات بحری تخفیف (۱۱۶۰۰۰۰) لیرا را نموده است

در (پروسیا) آلمان بلونی (۶۴۵) میل بالا رفته

(دولت المانی) آلمان در طه دسترس سناحت

سیام - جلوا و ساترا (روانه خواهد شد
وزیر زراعت آلمان (هردرنبرگ) بر مقاماتیکه بنه
می شود سیاحت نموده که در آلمان رفته این زراعت
یا ترقی دهد

کابینه هنگری ازین رو استعفا داده که دولت آستریا
برخلاف تشکیل بانک ملی ایستادگی دارد

از یکن خبر رسیده که دولت چین بجهت انتظام
یسته بن چین و ثبت مأموری از جانب خود
فرستاده که تحقیقات لارمه را نماید و بعد از انحام
مأموریت تدارک خواهد نمود که یسته هند از همین
راه مبادله گردد

در نزدیک (مولین الیر) بلون جنگی فراسه
شکافته و سه نفر هلاک گردیده اند

اولین حراز (دریدنات) آلمان (میلی گویند) در
آب انداخته شد و نیز دو جہاز دیگر در سال
آینده در آب خواهند انداخت

بن اروپ و امریک طونان شدید جاری است
ازین رو برای چند ساعت مخابرات تلگرافی را
ملتوی گذاشته بودند

امپراطور آلمان پیغام تزییت به وزیر جنگ فرانسه
برای مقتولین بلون جنگی فرستاده است

چنان مشهور است که یک کپانی انگلیس مصمم
شده که ۲۵ میلیون لیرا بدین شرط بدولت روس
قرض دهد که امتیاز شعبه راه آهن و معدنیات را
حاصل نماید

مجلسی در (آن) برخلاف انتظام سلطنت و
ترمیات قوانین مملکتی منعقد ، تقریباً جمیع طبقات
در او شرکت داشتند

جنگ مصنوعی دولت روس در (کریما) بسبب
علاقت امپراطریش موقوف گردید

شوکت پاشا سردار جلیل القدر عثمانی که در این
زمان مشغول سیاحت پاریس میباشد در اداره جنگی
هرانه عصرانه تناول نمود و با جنرال پیشون شب
تناول طعام فرمودند - در گفتگوی خود با جنرال
موصوف تمجید از وضع تعلیم قشون فرانسه نموده
اطهار داشته است که ۱۵ افسر عثمانی را برای تعلیم
فرانسه روانه خواهد نمود

قلب شمالی

(داکتور کوك) امروز وارد امریکا شد -

استقبال شایانی با نهایت شکوه از وی نمودند
از (نیویارک) خبر رسیده که (کاندریری) بعد
از برگشتن بخانه خود که در (مبن) میباشد معلومات
خوبش را پوشیده خواهد داشت و منتظر خواهد ماند
تا دلایل داکتر (کوك) پیش شود

اسپانیا

قشون اسپانیا با مدد حراز جنگی اعراب را
سخت نقصان رسانیده و آنها را عقب نشاند - تلفات
اسپانیا درین میدان کم بوده -

سلطان مراکو بدول اروپا نوشته که بر لشکر
کبکی اسپانیا در مراکو مداخلت نمایند

اعراب اردوگاه اسپانیا را حلوگیری نموده اگر
چه سواران اسپانیا اکثر حمله ور شده و دست بدست
جنگ واقع گردید ولی در جنگ دپروز ۱۰۰ نفر
از اسپانیا مقتول که منحصراً (۱۴) افسر نیز شامل
بوده اند

نوزده حرازه و ۱۰۶ مجروحین اسپانیا را در
(ملیلا) آورده و تلافی سربان ۴۰۰ اظهار شده است
تمام شب عرپها بر قشون اسپانیا شلیک می نمودند
مقامی را که اسپانیا بتازگی بتصرف آورده سدگر
بندی مینماید

قشون اسپانیا بر اعراب حمله آورده درین حمله
قطعه ۸ نفر از آنها تلف شده اند
قشون اسپانیا در (نادور) که مرکز عربهاست
قبضه نموده اند

جنرال میریبه ۲۰ هزار قشون را در (نادور)
جمع آوری نموده که بر قلعه (ذیلون) که عربها
بدست دارند حمله آورد ، وزیر جنگ اسپانیا را
گمان این است که جنگ بجامه رسیده چه بسیاری
از قبائل مائل بصلح هستند

قشون اسپانیا قلعه (زیلون) را که عربها
بدست داشته متصرف شدند
عربها کوه (کاروگو) را که در تصرف
اسپانیا بود قبضه آورده از ساعت ۲ الی ۶ عصر
تنور جنگ گرم بود ، از اسپانیا ۶ مقتول و ۱۶
مجروح شده اند ، اینکه اسپانیا را بغیر از جنگ
دوتیه (نادور و زیلون) بچنگ آمده بود چنان
نصیر نموده که جنگ خانم پذیرفته است

قشون اسپانیا مجدد کوه (کاروگو) را

بتصرف خود آورده بر بلندی آن نشان زدند در
(مادرید) اهالی ازین فتوحات اطهار خوشوقتی مینمایند
در جواب خط مولی حفظ سلطان مراکو که
به دول اروپا درباره مداخلات اسپانیا نوشته بود
بالأفاق اطهار داشته اند که چون این مشاهه فقط
در میان اسپانیا و مراکو است مداخلت آنها بیجاست

در مجلس شورای ملی (مستر مکین وود)
در جواب (مستر گنیل) اطهار داشت که من
اصلاً ندارم که در چین انگلیس امتیاز تعمیر راه
آهن را بطریق حیز یا تیر حیز یا زور حاصل
نموده در هانوقت کوشش شده که افسران چینی در
پاسدی بشروط منظور شده پهلوئی نکند

تلگرافی از (سنت جونس) طاهر میدارد که از
(لبرادور) خبر رسیده که (کاندار پیری) و
(سیو بارتلیت) برای رفتن بقطب شمال تدارک
می نمایند - در جواب این سؤال که چرا همراه
خود یکی از انگلیسها را در قطب شمال برد
اطهار داشت که بعد از زحمات تمام عمر خود
محواسم کی را شریک عرت و آبروی خود سازم
در مجلس شورای ملی انگلستان مسوده قانون
(آبرید) دهمه سوم قرأت و با (۱۷۴) برخلاف
(۵۱) رأی امضا یافت امید است در مجلس
اعیان ترمیمات زید بشود

(مستر اسکویت) در (برمنگهم) ضمن بحث
خود اطهار داشت که نباید از آراء وکلا رعایا بد دل
شود - مداخلت مجلس اعیان درباره بودجه مهیب
مدموم است مجلس اعیان حق دخالت در مسئله رژی
ندارد تا چه رسد مداخلت در تمام بودجه -

(مستر رامزی مکداولد) بمنز مباحث هند
بر چهار (عریبه رهسپار گردید -

(مسرلوئید جارج) در (کلاگو) طرفداران
بودجه را تلگراف زده که حکومت اراده دارد
تا آخرین نقطه درباره بودجه بجنگد -

(مستر والتر لونگ) در (نرویرج) ضمن

نطق خود اطهار داشته که در آتیه وقتی بیاید که
مجلس اعیان نه فقط حقوق معدودی چند بلکه
حقوق جمیع رعایا را محافظت نماید - ما هر وقت
برای دفاع آماده میباشیم -

بن (بولیومیه و پیرو) با اتفاق که به سبب
معامله سرحدی در ماه جولائی شروع شده بود
اختتام پذیرفت - از طرفین بر عهد نامه دستخط و
جمیع مسائل متنازعه طی شد -

چونکه چند روز است باران در انگلستان رو
بفتت نهاده امیدواری حاصل گردیده که جلوگیری
از خرابی حیوانات بشود -

احوال (یونان) تا اندازه روبه بهبودی است
چون (سیوتیوتوکی) استماری خود را باز گرفته و وعده
داده که همراهیان خود را حسب رأی خوشان
اختیار دادن رای دهد - میگویند پادشاه بموجب
مصالحه ملکیه موقتاً از خیال صدیت باز آمده است
خبر اجرت راجعه بایران

وقایع سکر (سومتری گزت) لاهور نهم سبتمبر از
شیراز مینویسد - که حکومت تازه شیراز به مقام
عائده رسیده و تا ده یوم دیگر بشیراز وارد خواهد
شد موسم زمستان در پیش است و تجارت انگلیس
را حمل انتقال خیلی دشوار نموده و باید تعقیب شود
در موسم گرما از بوشهر تا شیراز کرایه يك قاطر
به یکصد و شصت قران که معادل چهل روبیه هند
است رسیده و باین گران هیچوقت کرایه نشده بود
این ایام گویا بین اصفهان و شیراز تا درجه
قطع تعلقات تجارتنی شده ولی باصفهان از طریق
اهواز راه تجارت متوح است کرایه حمل انتقال
از بوشهر بشیراز خیلی پیش است از کرایه اهواز
تا اصفهان با اینکه فاصله بوشهر تا شیراز یکصد
و هشتاد میل است و فاصله اهواز تا اصفهان دویست
و هشتاد و نه میل اجناس تجارتنی را از بوشهر
و شیراز باصفهان فرستادن نسبت براه اهواز کرایه
از دوگونه هم اضافه میشود ولی مشکل این است که
در دسمبر راه اهواز باصفهان بواسطه شدت برف و

اشخاصی اند که سابق نوشته ایم چیزی که در کابینه اول و حالیه نتص به نظر میرسد همان عدم تعیین وزارت تجارت است که نه در کابینه اول دیده شد و نه در کابینه جدید چنان مستفاد می شود که حضرت اشرف آقای ناصر الملک که همین ایام باید وارد طهران شده یا بشوند از قبول وزارت خارجه که نامزد بودند استنکاف نموده اند

افواه است که اضافه بريك کرور باای مایات عربستان است و وزارت مایه جدا طلب می نماید وزارت داخله تاگرافاً خبر داده که انجمن بوشهر ولایتی است نه ایاتی سایر بنسادر بعوض انجمن ولایتی انجمن بادی میتوانند تشکیل دهند

بر حسب تلگرافیکه به بوشهر رسیده سهام الدوله حاکم شیراز وارد و جدا در صدد امنیت شوارع و طرق میباشد حکومت صولت الدوله قشائنی را هم از خود راضی داشته عجب تر ایسکه میگویند نصر الدوله پسر قوام را هم بامیت راه شیراز و یزد مأمور نموده است

یک از ضروریات مهم دولت

اشاء روزنامه رسمی است

واقفان رموز میدانند دولتیکه روزنامه رسمی ندارد فرامین و احکام او از سمت رسمیت و اعتبار عاری است، فرامین دولت وقتی رسمیت حاصل میکند که در روزنامه رسمی اشاعت شود، دول متدنه علاوه بر هزاران روزنامه های ملی و با ایسکه هر وزارتخانه دارای يك اخبار نیم رسمی است مع ذلک يك اخبار رسمی که دار مدار جمیع احکام رسمی دولت است دارند و در هر مرکز ایالت نیز دارای يك اخبار رسمی است، اهمیت این روزنامه در خارج و داخل باندازه است که اگر جمیع جرائد نسبی را بدولت بدهند بجزردیکه روزنامه رسمی انکار نمود تکذیب جمیع جرائد و تصدیق آن می شود، ایسکه نوشتیم دولتی که روزنامه رسمی ندارد احکام و فرامین حتی پروتستهای آن دولت را هم به نظر رسمیت نمی نگرند شاهد بر این مقال است که...

باران بند می شود و تا اپریل مدود می ماند، راه فیروز آباد فعلاً بواسطه نگرانی و انتظام صولت الدوله بسیار کار آمد به نظر می آید، ولی در موسم زمستان بواسطه کثرت بارندگی و باتلاق قابل عبور و مرور نخواهد بود و همین قسم است طریق سرحدی شیراز و اصفهان از این رو در موسم سرما باید از راه کاذرون و ده آباد مجبورا عبور و مرور شود و این طریقها ملو از دزدان میباشد ممکن است اگر حکومت منظم و مستقل ازاج باشد راه کاذرون را امن نماید ورنه تجارت بند و سختی در جلو خواهد آمد معانوی است که حکومت جدید سعی شود که طرق شیراز و نواح آن را امنیت بخشد دولت روس در شمال ایران امنیت قائم نموده مام باید در جنوب قائم نماید وقایع نکار پتیر از طهران خبر میدهد که جمیع طبقات اهالی بر سیل عموم منتظر قدم ناصر الملک و طرفدار خیالات عاینه اویند و فعلاً بریاست هیئت کابینه معرفی شده و چند یوم قبل در پتیر برگ بود یعنی از طریق پتیر برگ عازم طهران شد در پتیر برگ با وزیر خارجه روس نیز ملاقات نموده و بشدت اصرار نمود که دولت روس باید قشون خود را سریعاً از تبریز و قزوین طلب نماید. آنچه به تحقیق پیوسته قیام قشون روس در تبریز و قزوین مرید بر اختلال و مورت بریشانی و هیجان عظیم گردیده است در طهران عموماً از بد رفتاری و حرکات وحشیانه روسیان بر انگیزخته اند چه بنازکی در تبریز بخانه یکی از اهالی ریخته و دختری را به قتل رسانیده اند

فخر الملک بحکومت عربستان مأمور با دستور العمل قانون بزودی وارد می شود و انجمن ولایتی را قائم و فوری وکلای طهرانرا گسیل خواهد داشت چنانچه انجمن غیر رسمی در ذرفول تشکیل یافته است بموجب تلگرافیکه از طهران رسیده کابینه جدید تشکیل یافته چیزی که تغییر یافته درین کابینه این است که جناب علاه السلطه وزیر امور خارجه بر قرار آمده اند و سپهدار اعظم علاوه بر وزارت رتبه هیئت فونسل (گویا مقصود از هیئت فونسل) باشد تعیین یافته اند سایر وزراء همان

روس وانگلیس که بایران تقدیم شد بفراداد. چون
 اخبار رسمی نداشتیم که در او درج گردد در پارلمان
 انگلستان نورت مجلس و دولت را از آن ماهمه
 بمسرت و حوشوقتی جلوه دادند. ولی اگر اخبار
 رسمی داشتیم و آن عنوان در اخبار رسمی درج
 می شد حرج از امکان بود که در پارلمان انگلستان
 واژگونه بیان شود. اخبار رسمی برای واقعات مهم
 در آیده بهترین سند است. چون کسانی در دستگاه
 دولت هستند که محو از چگونگی و وضع و اهمیت
 اخبار رسمی دولتمندانه واقعات بحث در بموضوع
 چندان لازم نیست. فقط همین قدر میگوئیم دواتی
 که اخبار رسمی نداشته باشد فرامین و احکام او
 چه برای داخله و چه برای خارجه کاملاً دارای
 اعتبار و اعتماد نیست

در ممالک متمدنه فرمان نمی شناسند و تا وقتی
 در اخبار رسمی ملاحظه نکنند مأموریت احدی را
 نمی پذیرند. سند اعتبار هر مأموریت حتی نایب السلطنه کی
 و پادشاهی و فرمانفرمائی یک صوبه همین اعلان در
 اخبار رسمی است. ملازمین حکومت هند از ماهانه
 پنجاه روپیه به بالا رسمیت دارند و آن رسمیت
 وقتی حاصل میکنند که در اخبار رسمی درج شود
 جمیع وزارتخانه ها و کلیه ادارات دولتی رجوع
 شان بروزنامه رسمی است یعنی هر حکمی که صادر
 نماید و یا هر که را بهر مأموریتی انتخاب میکنند
 صورت آن حکم و یا مأموریت بصحنه رئیس آن
 اداره و یا وزارت خانه نزد مدیر روزنامه رسمی
 فرستاده می شود و او اشاعت میدهد مدیر روزنامه
 رسمی را حق یک کله تصرف در آن نیست

زمینه جمیع احکامات رسمی دولت باید روزنامه
 رسمی باشد و کلیه جرائد ملیه هم اخبارات دولتی
 را مجبور اند از روزنامه رسمی بگیرند. امروز
 بزرگترین جرائد عالم طمس لندن شناخته شده مع
 ذلک آنچه مینویسد نه سند است و نه محل اعتبار
 و از رسمیت تاری، ولی اخبار رسمی که صد یک
 طمس هم بحساب نیست هم محل اعتماد است و هم
 محل اعتبار.

اگرچه امروزه هم بواسطه عدم موجودی
 اسباب ما نمیتوانم مانند دیگران حربه رسیده خدا

صحت گذارده شد رفته رفته نقائص آن رفع خواهد
 گردید. فعلاً دو مراعات در اخبار رسمی لازم است
 یکی اینکه دارای جمیع احکام دولت باشد نه اینکه
 دارای بعضی دون بعضی. دیگر آنکه سی شود که
 ناسخ و منسوخ در او درج نشود که اعتبار و اعتماد
 برای او نتواند ماند. یعنی بعد از مسجل شدن امر
 در اخبار رسمی درج نمایند تا آنچه در اخبار رسمی
 نوشته شد برگشت نشود

اعضای اخبار رسمی تمام باید نوکرد دولت باشند
 و مصارف آنها بر دمه دولت است و آنچه نیز
 بفروش رود مال دولت است. با اینکه اخبار
 رسمی دول خیلی رخیم و مصارف گالی دارد
 قیمت آن هم بسیار قلیل است ولی بواسطه احتیاج
 جمیع مأمورین دولت ماو غالباً خرج و دخلش
 برابری می شود

تلگرافات روتر جامع بایران

(۱۲ رمضان - ۲۸ سپتمبر)
 شاعراده ظل السلطان که در آگست وارد ر
 گردید و از جنب کپته ستار توقیف شده بود
 ازدادن صد هزار تومان تند و دوست هزار تو
 سند اجازه یافت که بحجاب اروپا رهبار گردد
 (۱۷ رمضان - ۳ اکتوبر)

محمدعلی پادشاه مخلوع ایران وارد (بطرواسکو
 روسیه شده و جهاز جنگی (جیاکتیوی) را م
 کرد و امروز حرکت بصر ف ادبیه خواهد
 جبل المتین

حرکت طین دو شاعراده رقیب از ایران
 یک امنیت امتدادی را در وطن عزیز ما
 میتوان گفت اولیای دولت جدید در این
 این شکل مخصوص منتهای درجه مال اندینی را
 و آنچه محقق است سیصد هزار تومانی
 ظل السلطان گرفته شده جریمه نیست و
 ظل السلطان اقلاً بیج کرور تومان باید با
 مبلغ گویا در دفتر مایه دولت باسم او باقی
 گرفته اند

ازین بعد اولیای دولت خیلی باید
 که این هیئت مستبدین با آن دستهای ز
 داخله دارند ماساب چند مدهت خلک

(جبل المتین کلکتہ)

ولا حق اعذ ابونہ بدون قص ندرند و تاویق کہ
(مشترکین را قص مخصوص سال هفدهم دست نماند)

(قیمت اشتراک)

(مدیکل کالج امریت نمبر ۴)

(سالانہ - نش ماہ)

(دما شان ہی قشانتہ نمیشود)

(هد و برہ)

دو ہر ماہ مدرسہ ہند

HARVEY MARTIN OFFICE
L. MEDICAL COLLEGE SHERIFF
CALCUTTA

(۱۲ روپیہ - ۷ روپیہ)

(کلیہ امور ادارہ ما)

(ایران و افغانستان)

(مدیر کل مؤیدالاسلام است)

(۴۰ قران - ۲۵ قران)

(ہر دوشنبہ طبع)

(عمانی و مصر)

(وسہ شنبہ توزیع میشود)

(۵ مجیدی - ۳ مجیدی)

(یوم دوشنبہ)

(اروپا و چین)

(۲۵ رمضان ۱۳۲۷ ہجری)

(۳۰ فرنک - ۱۶ فرانک)

سنہ ۱۳۱۱ ہجری

(مصادف با)

مراسلات خصوصی بدون امضای ہند

(روس و ترکستان)

(۱۱ اکتوبر ۱۹۰۹ میلادی)

(۱۰ مات - ۶ مسات)

(معروف ادارہ درج نمیشود)

المتین

گنت، چہ تمام ہم حکومت مدبروف بر این است کہ
پیرامون جنگ بگردد و تا حاشیکہ ممکن است مقاصد
سیاسی را صلح و مسالمت از پیش بہ برد
یکی از دانایان میگوید کہ حکومت لیبرالی حکومت
صلح و ملامت است و حکومت کنسرواتیو حکومت
جنگ و خنونت دیگر میگوید حکومت لیبرال
دستور جلب قلوب است از نفرت ہان حاصلہ از
حکومت کنسرواتیو - دیگری میگوید حکومت
لیبرال مرہم جراحات است کہ از حکومت کنسرواتیو
در ملل دور و نزدیک حاصل آمدہ - سومی میگوید
حکومت لیبرال صلح خواه و یا مدافع بمتوق
موجودہ است و حکومت کنسرواتیو جنگجو و
ہمارہ در فکر ازدیاد مستعمرات است، رعایای انگلیس
و ملل مرابطہ انگلستان حکومت لیبرالی را بیشتر
پسند می نمایند و حق ہم این است کہ در دورہ
حکومت لیبرال کتر بہ توسعہ مستعمرات کوشیدہ و
ازین رو ملت انگلیس ہم کتر دو چار خسارات
طالی و حال شدہ اند، ہر یک ازین دو حکومت کہ
در انگلستان بدرجہ افراط و تفریط میل نمودہ و
زیانی برای دولت منصور داشتہ قائم ماندہ است
ولی غالب دیدہ شدہ ہر زمان کہ دولت انگلیس
تبدیل حکومت لیبرالی را بہ کنسرواتیو دادہ قصد
تراحم بہ سبطہ داشتہ و در ہر وقت کہ حکومت
کنسرواتیو حمله نمودہ و فتح و تلبیہ حاصل کردہ
محض کم نمودن نفرت (یعنی مرہم ہادن بر جراحات)
حکومت لیبرال بروی کار آمدہ است

تبدیل حکومت انگلیس
(و اثرات آن بران)
از قرائن سیاسی چنان مستفاد می شود کہ فرقة
لیبرال انگلستان کہ امروز حکومت دارند تادرباز
قائم نتوانند ماند، علل سیاسی آن بسیار است کہ
شرحش درین مقام نگنجد - ولی غلب ظاہریش
ہمانا مسئلہ موازنہ جمع و خرج است، چہ دولت
انگلیس در مقابل رقیب پر زور خود آلمان مجبور
است باز دیاد مصارف بحری، و ازدیاد مصارف
ہم جز باضافہ مالیات اراضی و یا عوارض بردخل
سالانہ رعایا ممکن نیست، و حکومت کنونی بہ اضافه
مالیات اراضی رضا نمیدہد و اضافه عوارض را بر دخل
سالانہ رعایا خواہان است، ازین رو مجلس اعیان
من غیر حق یا برای استعفا دادن حکومت لیبرالی بجد
مدخلات در بودجہ است و درہمین مناقشہ ممکن است
حکومت بموجب غلبہ آراء شکست خورده فرقة
کنسرواتیو بروی کار آید، ہمین قدر میتوان ایتان
نمود کہ حکومت لیبرالی دیر پا نیست و چون
مادوار سابقہ ہم نظر اندازیم خواهیم دید حکومت
لیبرالی در انگلستان ہیچ وقت چندان دوام نداشتہ
چہ این حکومت با بہ مساک خود یک گونه سرعویقی
در پیشرفت مقاصد سیاسی اختیار نمودہ و ازین رو
در ہر دورہ کہ فرقة لیبرال بحکومت انگلستان رسیدہ
نیانات سیاسی ہجوم بدولت انگلیس نمودہ است،
حکومت لیبرال را باید دورہ تنم ملت انگلیس

در هر حال این نکته را ایرانیان باید بدانند که هر يك ازین دو حكومت مسلکی جز خیر دولت خود نمی بویند و اگر درست باریك شویم همین تبدیل حكومت در معنی يك بازی سیاسی و تا يك درجه رفع الزام از دولت و ملت است - مثلاً حكومت كنسرویتویو مصر را قبضه نمود ، حكومت بیبرال بروی كار آمده قدرت خود را بر آن حاکم میدارد، ولی نه تنها ترك آن قبضه را نمیگوید بلکه بیروی از همان اقدامات می نماید ، الحاصل تمام این تبدیلات نیرنگهای بلتبیکی است که رموز شناسان سیاست بخوبی میدانند و غرض ما تشریح این مثال نیست، همین قدر میگوایم که حكومت کنونی انگلستان که لیبرال است دیر یا با به نظر نمیرسد - این است که قبل از وقت باید شور نماییم که در تبدیل حكومت انگلستان چه اثراتی ممکن است به ایران بخشیده آید

عقاید رجال بزرگ كنسرویتویو در معاهده (روس و انگلیس)

عركس به تخریرات اولیه ما درباره اتحاد روس و انگلیس و معاهده که درباره ایران نمودماند واقع باشد و مناقشاتی که من باب این معاهده در پارلمان و مجلس سنای انگلستان پیش آمده شور نماید ، بخوبی استنباط تواند کرد که رؤسای فرقه كنسرویتویو مانند مستر بلفورد ، لارد لندون ، لارد كرزن و - و - و برخلاف این معاهده هستند ، بعبارت ساده تر خیلی درین معاهده دولت انگلیس را مغبون تصور نموده و آن همه سؤال و جوابها در پارلمان و مجلس سنا در ماده تجاوزات روس در ایران هم تمام مبنی بر همان نکته است و بس وبالاصاله هیچ ربطی بمتافع ایران و ایرانی ندارد، البته ممکن است سخنی که گفته شده و اعتراضاتی که بروس نموده اند نافع بحال ایران هم تصور بتوان کرد

نفع و زیان حكومت لیبرالی (انگلیس بایران)

رضی همچو تصور می نمایند که چون مسلک فرقه لیبرال حریت خواهی و قناعت و اصول كنسرویتویو ملك گیری و در باطن صد حریت است بعید نیست که حكومت لیبرالی انگلیس مفید تر بحال ایران باشد، ولی عقیده بعضی برخلاف آن است و میگویند حكومت لیبرال انگلیس مسلک صد ساله دولت را در وسط آسیا تغییر داده که فعلاً بحال ایران نافع معلوم نمیشود و زیانات بینة هم بدوات انگلیس رسانیده است، چه صد سال است میدان رقابت بین روس و انگلیس در وسط آسیا آواسته و درین مدت انگلیس علاوه بر اینكه در وسط آسیا منافع

عمده حاصل نموده بملاحضات رقابتی نگذارده اند که ذره از حقوق شان بیپال گردد و یا رقیب شان بحال یابد که در هیچ میدان بر آنها تفوق جوید ولی درین سه ساله که لیبرالها بروی كار آمده خصوصاً از بعد معاهده با روس از سرعویت حكومت انگلیس منافع عظیم در وسط آسیا روسیان حاصل نموده انگلیس ها را عقب انداختند، همین قسم در تحت هم نفوذ انگلیس كالمدم شده

ولی شبهه نیست حكومت لیبرالی يك منفعت ذی قیمتی در وسط آسیا بدوات انگلیس رسانیده یعنی رسوخ و نفوذ انگلیس مقابل روس در ایران معدوم شده بود لیبرالها با آن نفوذ انگلیس را در - ایة انقلابات ایران دوباره حاصل کردند و آنچه را در سی سال از دست داده بودند در سه سال پیدا نمودند و باید اذعان نمود که لیبرالها در آزادی ایران خیلی كلك نمودند، ولی شبهه نباید کرد که این كلك بواسطه یافتن گم شده خودشان بوده نهایت باقی قوی هم بایرانیان رسانیده است و این خدمت بزرگی بوده که بدوات انگلیس ازین حكومت لیبرالی شده و ایرانیها هم باید بهمین اندازه که نوشتیم شاکر از انگلیس باشند

ولی از طرف دیگر بدار سرعویت و كزوری که گویا لازم و ملزوم مسلک فرقه لیبرال انگلیس با هم بوده روسها دارند فائده میگیرند و اگر چندی دیگر لیبرالها بروی كار باشند و ترك مسلک در مقابل روس نگویند همانقدر منافی هم میگردند انگلیس را درین سه ساله در وسط آسیا حاصل آمده تبدیل بزین حواله شد

آشنایان جراید میدانند که حتی سر ادوردگری وزیر خارجه انگلیس هم انكار ندارد که معاهده دولتن در منطقه نفوذ من حیث التقسیم حصاره انگلیس است ، چنانچه در پارلمان و مجلس سنا جوابانی که داده اقرار بر این زیان می نماید ولی این اقدام را مبنی بر سه امر اظهار داشته است اول صالح جوئی - چنانچه مکرر اظهار داشته که معترضین این معاهده را به نظر صالح بنگرند نه بلحاظ جنگ

دوم غرض حقیقی زین معاهده را محافظه سرحدات هند جلوه داده - چنانچه میگوید بر حسب این معاهده مقصود اصلی که حفظ هندوستان است بدرجه كمال حاصل است، معنی سخنان او این است که ما ایران را برای هند میخواستیم که سپر بلا یا قامد بر باشد در صورتیکه سرحدات هند حضور اند و ما هم در صورتیکه هند را محافظه

(۱) موانع خارجی - یعنی هرگاه انگلیس نخواهند تصرفات ناجائز در منطقه نفوذ خود نمایند لابد باید به تصرفات روس هم در منطقه نفوذش رضا دهند، در آن صورت ایران بین روس و انگلیس تقسیم شده تصور خواهد شد، مسلم است عثمانی و آلمان و اطریش وسائر دول مرابط ایران بسهولت رضا باین امر نداده روس و انگلیس را آرام نخواهند گذارد، چنانچه اقدامات آلمان و عثمانی و نظریات سیاسیون و ارباب جرائد آنها این امر را بخوبی آشکار میدارد و این است که بارها نوشته ایم که اگر ایرانیان را حسن ملیت بیدار باشد و مقام خویش را بشناسند و بمقتضای وقت حرکت کنند امروز احدی از دول نمیتواند بر آنها استیلا جوید و در قبضه يك ككف از خاک ایران ممکن است جوی خون در اروپا جاری دارند، ولی مشروط بر اینکه ایرانیها بخودی خود مرعوب نشده تسلیم نشوند (که خود کرده را چاره نیست)

(۲) مانع داخلی است - چه ایران امروزی را هیچ نمیتوان بایران ده سال قبل قیاس نمود و باتفاق سیاسیون با این زندگی جدید یا حیات تازه سیاسی، هر دولت بقوه جبریه قصد تملک ایران نماید جنگ سی ساله را برای خود دعوت کرده است، خاصه با این همدردی و هیجانیکه امروزه در طامان مسلمانان نسبت به ایران نمایان است، هیچ بعید نیست که مداخلات خارجی در ایران داعی بر هرت عمود مسلمانان عالم از دول مسیحیه گردد و زیان این امر برای انگلیس بیش از دول سائر است چه رعایای اسلامی انگلیس بیش از همه دول اند، تریج و وختییر اسلام يك حیات سیاسی بهمة مسلمانان بخونده و هرگاه درین موقع هجومی بطرف ایران (از روس و انگلیس بشود) هیچ مشکل نیست که واقعات ناگوار صلیب در عالم تازه شود و این تصور بالا صاله مانع بسیار قوی است

(۳) زیان نیست که انگلیس از چه اقتصادی وجه سیاسی درین تقسیم جغرافیائی ملاحظه مینماید، چنانچه ذکر شد، منشاء تمام اختلافاتیکه درین موضوع در انگلستان شده همین غبن فاحش بوده که فرقه ریرال و کنسرویتو هر دو درین موضوع متفق اند و این صدا کلیه از فرقه کنسرویتو بلند شده و هنوز هم در هر موقع که درین موضوع بحث شود اختلاف مینمایند، درین صورت کجا نمیرود با این دعوی غبنی که دارند در اجرای آن بکوشند

(۴) عدم اعتمادی است که فرقه کنسرویتو بسود و موافق روس دارند و میدانند که امروز

اقی نمی ماند، ساده تر میگوید که ما ایران را فدای اند نموده ایم یعنی ایران را بروس سپرده و سند ز او گرفته ایم که بنده کاری نداشته باشد

سوم چون مبنی بر سیاست است نظر به نزاکت بین المللی اظهار نمیدارد، ولی بکنایات دیپلماتی به معترضین می فماید که کم که داشت نفوذ آلمان در وسط آسیا پیش می شد و زیان پلتیکی و اقتصادی نفوذ آلمان در وسط آسیا برای ما امروزه بیش از نفوذ روس است و هرگاه ما دست اتحاد بجانب روس دراز نمیکردیم و اقتدار او را در ایران تسلیم نمی نمودیم ممکن بود روسها با آلمان نود اتحاد بازیده پیش ازین ما که تصور خساره از روس می رود آلمان با زیان وارد آرد

ازین بیانات بخوبی ظاهر گردید که حکومت لیبرال کنونی انگلیس يك نفع ناقصی بدولت خود رسیده که ضمناً حصه از آن شامل حال ما هم شده است ولی فعلاً دارد از مسلك نزدلی زیانات عظیمه بدولت خود میسازد و ایران را هم شهید خطای سیاسی خود میازد

مسلك فتوی حکومت لیبرال انگلیس ایرانیان را در سخت ترین فشار و زیانات عظیم انداخته و روسها بی در پی دارند از کزوری و مرعوبیت حکومت لیبرال از ما منتفع می شوند و کجا می رود اگر حکومت کنونی انگلیس تبدیل شود علت سیاسی آن همانا مسئله وسط آسیا باشد ولو بظاهر شکست در مسئله موازنه جمع و خرج بیاید

انرات حکومت کنسر ویتو بایران

بنا بر مسلك دیرینه سیاسیون انگلیس رضا نتوانند داد که دولت روس را نفوذ تامه و استیلائی کامله در ایران حاصل آید، چه بقای این گونه اتحادات و دوام این قسم معاهدات چندان محل اطمینان رموز دامان سیاست نبوده و چه بسیار صلح نامه ها که مرکبش هنوز تر بوده که آب شمشیر جنگ او را شسته است ازین رو سیاسیون دانا در عین صلح خیالات جنگی را هم از سر بدر نمی نمایند در بروی کار آمدن حکومت کنسر ویتو احتمالاتیکه بایران هم برخوردار تواند بود اینست نظر بر اینکه حکومت کنسر ویتو انگلیس را مسلك حقیقی ملک گیری و توسعه مستملکات است احتمال میتوان داد که اجرای نقشه تقسیمه ایران تصیب و آن زیاناتیکه ازین معاهده سیاسیون مورد میگردند داننگیر ایرانیان شود ولی برای اجرای این مقصود چهار مانع قوی در جلو آنها دیده می شود

اگر روس بر حسب این معاهده در ایران مقصدی المرام گردد فردا همان رقابت اوایه را با دولت انگلیس از سر خواهد گرفت (یعنی قبل ما را هندوستان یاد خواهد آمد) و مخاطرات انگلیس را بش از آنچه تصور شود خواهد افزود و در آن موقع ممکن است برای پیشرفت مقاصد سیاسی خود در آسیا با آلمان یعنی رقیب بزرگ انگلیس نیز اتحاد ورزد و انگلیس را در آسیا به زیانهای عظیم دچار سازد، و تنها انگلیس را از منافع اقتصادی آسیای وسیعی محروم دارد بلکه در هندوستان همواره اورا تهدید نماید، طاهر است که آنچه روس را با آن تباعد مسلک و تباین مشرب و عداوتی ای دیرین راضی با اتحاد انگلیس بوده همانا نگاهداری ژاپون در جاده مسلح است، و پیش ازین در اقصای شرق زبان منابع روس وارد نیارد، ورنه روسها چندان پای بند دوستی انگلیس نبوده و نیستند، و این خوبی که از ژاپون دانگیر شان شده ممکن است که بوسائل سیاسی دیگر از خود دفع نمایند. هنوز روسها از اراده کشیدن راه آهن ماورای بحر خزر را با بران و اتصال بخلیج فارس باز نیامده و نقشه پترکیر را در طاقچه نسیان نگذارده نه بابت منتظر موقع اند، این مراتب چنان می بایند که فرقه کنسرویتیو درین موقع محض حفظ منافع سیاسی دولت خود ترک مسلک ملک گیری نموده جدا جلوگیری از تجاوزات و خیالات روس در ایران به نمایند. درین صورت دو احتمال میرود

یکی آنکه معاهده دولتمین ساقط و بی اثر مانده همان رقابت اوایه در ایران بین روس و انگلیس پیش آید، و ایران را در همان فشار رقابتی دیرینه خود باقی دارند، چون امروزه انگلیسها نفوذ خود را که گم کرده بودند بدست آورده اند ممکن است حلو روس در ایران نتوانند ایستاده و حفظ منافع خود را بنمایند این وضع اگر پیش آید برای ایران بر حسب اقتضای ممکن چندان نقصان ندارد، چه با بودن پارلمان و برقراری مشروطیت (در صورت وطن خواهی رؤسای دربار) تشبثات دولتمین اینقدرها پیش رفت نتواند نمود، و پس از چندی ممکن است خود را از موضوع رقابت این دو همسایه خارج نماید

دیگر این که رجال بزرگ کنون حکومت کنسرویتیو که از آغاز بنا بر غن خود مخالف با این معاهده قسیبیه بودند بملاحظات سیاسی معاهده با روس را سخت پای بند شده و داده عدم مداخلت را زور داده و جدا مانع از مداخلت روس شوند، و خود شان هم از

مداخلت اجتناب نمایند

درین حال هم چون همه گونه اسباب ترقی برای ایران موجود و مانع پیشرفت مقاصد همان مداخلت همسایگان است، هرگاه مداخلت آنها موقوف شود در قلیل زمان استقلال خویش را حفظ تواند نمود. و خط فاصلی برای همیشه بین روس و انگلیس در مستملکات آسیائی شان خواهد کشید، و این امر برای انگلیسان نافع و مسلک قدیم شان است و امروزه این مسلک مفید باوضاع ایرانهم هست

البته تصور دوزیان هم برای انگلیس در اختیار نمودن این مسلک میرود، اول اینکه اثرات آزادی ایران به هندوستان برسد، ولی انگلیسها بهتر از دیگران دانا به پیش آمد سیاست اند و نیکو دانسته اند که این اثر طبعی مانند حلقه انگشتر هند را از چهار طرف احاطه کرده و این حبش مانند سیل از اروپا و امریکا سرایش گردیده و جلوگیری ازین اثر طبعی محال است، خواه ایران آزاد و مستقل باشد یا نباشد محال هندوستان چندان فرق نخواهد کرد دوم زیانیکه انگلیسان درین مسلک میتوانند تصور کنند آن است که اگر ایران به ترقیات لایقه نائل گردد ژاپونی دیگر در وسط آسیا تشکیل خواهد یافت و در آتیة ممکن است مستملکات انگلیس خاصه هند را تهدید نماید،

ولی باتفاق سیاسيون تا وقتی که این خوف از عاقل تصور بطلیت کرایه اقلامی سال طول زمان میبخواهد و تا آن وقت هر اران تشبثات سیاسی دیگر میتوان پیدا نمود، و هرگاه نقشه موجوده که بر روس و انگلیس کشیده شده بموقع اجرا آید بین پنج الی ده سال خوبی عظیم تر برای انگلیس پیش خواهد آمد، و برای همیشه هندوستان در تهدید روس قرار خواهد گرفت، و مصارف سرحدی در هند را پنج برابر و مشکلات سیاسی او را ده گونه خواهد ساخت، چه اگر نقشه که روس کشیده در ایران بموقع اجرا آید در قلیل زمان آنچه از قوای سیاسی خود باخته بجزنگ خواهد آورد آنوقت اخبار طمس خواهند توانست بنویسد «آن روسیکه ما از او می ترسیدیم روس کنون نیست» مشکلاتیکه برای دولت انگلیس اعم بر اینکه حکومت لیبرال باشد یا کنسرویتیو پیش آمده دو امر است، یکی اینکه در آسیای غربی اقتدار خود را باخته میبخواهد در سایه اتحاد روس بلکه نفوذ کم شده را حاصل نماید و حال آنکه این طمع خام است، چه از زیاد نفوذ انگلیس در آسیای غربی منافع روس است و روسها نیز بخوبی این نکته را دانسته و تا جائیکه بتوانند نفوذ

انگلیس را نخواهند گذارد زیاد شود، در صورتی که بتوانند از دولت روس در آسیای غربی فائده حاصل کنند در جنب تصاناتی که از دوستی او در وسط آسیا خواهند برد قابل شمار نیست

دوم پیشرفت نفوذ تجارتی و سیاسی آلمان است در آسیا که همراه منافع انگلیس را برای آینده تهدید می نماید، خصوصاً همینکه راه آهن بغداد خانه پذیرد و یک خطی از آن متحد با آسیای صغرای عثمانی شود ظاهر است در آن موقع تبدیلات عظیم سیاسی در آسیا نمودار خواهد شد، و چشم داشتیکه آلمان به تجارت ایران و اتصال این دو شبهه راه آهن را به یکدیگر از وسط ایران دارد پیش خواهد آورد. این است انگلیسها که امروزه رقیب خود را منحصر به آلمان میدانند بدست و با افتاده و در جلوگیری از نفوذ آن متشبث با اتحاد روس شده و از طرف دیگر هم اتحاد با عثمانی را تازه مسلک خود قرار داده اند بقول یک از اخبارات فراسه انگلیسها که با آنچه نزاکت با روسها جوال رفته چاره خود را برای جلوگیری از آلمان منحصر دیده اند و از آن خوف دارند که اگر دست از اتحاد روس بردارند فوری آلمان دست اتحاد به او داده در آن حال در مقابل این دو رقیب قوی بجه نتواند ایستادگی کرده و سند محکم لیبرال ها از این معاهده با روس همین نکته است و بس، چنانچه اگر در سخنان سرادوردگری باریک شویم می بینیم این نکته را با اشارات سیاسی تصریح نموده، ازین رو نمیتوان گفت با اساس حکومت کنسرویتیو بی ترک اتحاد با روس گوارا نماید، یعنی صرف نظر از غمزه های شتری روس گوید و روسها نیز چون این نکته را دانسته اتحاد خویش را گران نموده بناز و غمزه خود افزوده و منت بر انگلیس می نهند، و در عین ناز و نیاز برای بازارگرمی خود چشم از طرف آلمان هم نمی بندند، و با انگلیسها می خشانند که ما را خواهانی دیگر هم غیر از شما هست

در هر صورت بقیده ما حکومت کنسرویتیو بر حسب مقتضیات کنونی زیانش برای ایران از حکومت لیبرال پیش نیست، و امروزه این تجاوزات و زیادتیهاشکه دارد روس در ایران میباشد از بزدی حکومت لیبرالی انگلیس است که هر وقت بروی کار آمده دولت انگلیس را دوچار مرعوبیت نموده است، نمیتوان گفت که منشاء لیبرالها خاصه (سرادوردگری) ازین معاهده با روس حصول اینگونه نتایج بوده، ولی روسها امروزه دارند از مرعوبیت این فرقه در ایران فائده حاصل می نمایند و بید نیست که اگر حکومت کنسرویتیوی بروی کار آید زیاده بر این به تهر اوزات روس که سراسر زبان انگلیس است رضا ندهد، اینها همه ظنیات اخبار نکاری است و هیچ راهی به تکالیف ملی ایرانیان ندارد چه بسا پهلوهای سیاسی درین مسئله هست که مادرك نکرده ایم

ولی چون بدقت درین موضوع هم تأمل شود دیده خواهد شد که مرعوبیت انگلیس از آلمان و طمع منافع اتحاد روس چشم بصیرت سیاسیون انگلستان را بسته و رنه با اتفاق دانایان میدان رقابت در آسیا بین انگلیس و آلمان آراسته شده و دوستی روسیه هم با قبول آنها زیانات ابدی جلوگیری از آن رقابت نتواند نمود، و حال آنکه در مجبوحه اتحاد روس با انگلیس رجحان طبیعی روس با آلمان آشکار است، دولت انگلیس اول و آخر باید دوچار رقابت آلمان در آسیا بشود، و هر قدر که در جلوگیری نفوذ روسها در آسیا وسوسه نماید خوشترن را

تشریح و نتیجه

غرض ازین طول کلام دو امر است - اول اینکه ابناء وطن محبوم که تازه قدم در جاده حیات پلنگی نهاده مسبوق به تبدیلات سیاسی خیل مبتلای بآنند باشند، و ضمناً هم چون نکارشات اعتراضیه جبل المتین خیل مورد توجه امنای دولت فخریه انگلیس است و بسیاری از ارباب حل و عقد با دقت تمام ملاحظات دقیقه آنرا می نگرند (با اینکه

میدانیم خودشان بشر و بیشتر از ما مسبوق بمضار و منافع اقدامات سیاسی خود در ایران هستند (تذکره باشد)

باید دانست آنچه را ما نوشتیم فقط محض اطلاع و رای به تکالیف فعلیه ایران ندارد - حالا میخواهیم بر سبیل اختصار شمه از تکالیف فکریه و عملیه خودمان را هم بیان نمایم

رموز دانان سیاست میدانند که تکالیف سیاسیه هر ملت و دولت باقتضای وقت تغییر می نماید چنانچه تکلیفی که ایرانیان قبل از خلع محمد علی داشتند غیر از امروز است و همین قسم تکالیف فردایشان هم غیر از امروز خواهد بود ، لذا قبل از بیان تکالیف کنونی میدان داران سیاست یا سر جبهان پلنیک ایران را متذکر داشته میگوایم اختلافات سیاسی دول و ملل فقط مربوط بهمان مسئله متنازع فیه و بنا و دوام آهم بسته به بنا و دوام آن است ، مثلاً از پیش آمد یک مسئله سیاسی می بینیم جمیع سیاسیون و ارباب جراند ملت و دولتی تبدیل لرحبه می نمایند ، و بمجردیکه رفع آن غائله شد یک دفعه زمان و قلم برگشته نوری مودتهای سیاسی در میان می آید - یکی از سیاسیون میگوید « استقلال در هر چیز مدوح است جز در مودتهای سیاسی که بر حسب مورد ناچار به تبدیل است »

اتحاد سیاسی فرانس و انگلیس با آهمه قوت - و تقار پلنیک انگلیس و آلمان با آهمه مودت - یگانگی روس و انگلیس با آهمه ترابین مسلك ، تمام مربوط به تبدیلات موقع سیاسی است ، و احدی درین دوستی و دشمنی دو روزه نسبت عدم استقلال باین دول میدهد - چرا که علت الملل دوستی و دشمنی سیاسی يك نقطه است - که آن عبارت از حفظ منافع ملتی و دولتی خود باشد ، این است که تصادف یا ترادف با یکی ازین دو لابد مورد دوستی و دشمنی واقع می شود

ارباب سیاست هر ملت منتها درجه مراعات استقلال دوستی و دشمنی را بر نکته ضرر وضع خود دارند و بملاحظه همین نکته است که هر روز روابط سیاسیشان تغییر کرده امروز بملاحظه با دولتی دوستند فردا با ملاحظه دیگر با همان دولت دشمن می شوند ایرانیان هم اگر بخوانند در جاده سیاست قدم زنند ناچار بمراعات همین نکات اند ، و نباید تصور کنند که چون ما با انگلیس دوست بودیم همیشه باید دوست باشیم و یا چون با روسها دشمنیم همواره باید دشمن باشیم ، دوستی و دشمنیهای سیاسی را

نمیتوان بدوستی و دشمنی شخصی قیاس نمود ، ما باید بر حسب اقتضای منافع خویش با منتهای مراعات نزاکت بین المللی اظهار اتحاد یا مخالفت با دول مرابط خود نمایم . ولی شرط اعطام اختیار این مسلك سیاسی فہمی و تمیز نفع و ضرر خود مان است ، چه مضار و منافع سیاسی خیلی پیچیده و تمیزش کار هر بافنده و حلاج نیست ، چه بسیار امور که ظاهر نافع ولی باطن مضراست ، مسائل سیاسیه بجای چهار پهلو چهار صد پهلو دارد

این هر يك از ارباب سیاست که آن نقطه حقیقی را مراعات نه نموده در دوستی و دشمنی یکی از دول مرابط استقلال بخرج دهد یا از جاده سیاست بفرسنگها دور و یا آله اغراض دیگران و بطرش از آن نقطه حقیقی نوعی مرافع و بمنافع شخصی معطوف است ، شرح و بسط این مقال گویا تا این درجه کافی باشد و مضرین که تاکنون در لباس ملت خواهی آله بشرف اغراض اجتناب اند البته مقبیه خواهند شد و قبل از آنیکه برده از روی کارها برداشته شود ترك دورویی خواهند گفت و باید بدانند که ازین و بعد حرکات و سکنات بلکه نیات احدی در برده استقار نتواند ماند و اگر هم شی ماند شی دیگر نخواهند ماند

یکی از نکات مهم سیاسی این است که عزت و توقیر هر ملت و دولت در نظر سیاسیون سائره بسته بقوت و اقتدار اوست ، یکی از منصفین سیاست میگوید « اگر من کتاب لغتی می نوشتم در معنی لفظ تمدن قوت می نوشتم ، تعلق و اظهار فروغی اسباب دوستی سیاسی نمی شود و همان قسم است خشونت و اظهار بزرگواری مورد عداوت پلنیک نمیگردد اگر ایران بخواند با دول همجوار خود دوستی سیاسی داشته باشد بدو باید قوت پیدا نماید ، اگر نخواهد ثبات دوستی اجتناب را در حق خود حاصل نماید باید قوت پیدا کند هر قدر ایران بر قوای قاهره خود بیفزاید نزد دشمنان خود عزیزتر و با وقارتر خواهد گردید ، هرگز کان نکند که اگر ما اطاعت فرمایشات همسایگان را نمودیم با کاری نخواهند داشت ، هر قدر ارباع پیش تر کنیم فرمایشات آنها بیشتر خواهد شد و هر قدر سخنان آنان را پشت پا زیم و محل توجه و اعتبار قرار ندهیم در نزد آنان موقرتر و بیشتر مورد ملاحظه خواهیم بود و هر قدر از تجاوز آنان جلوگیری شود بر دوستی آنها نسبت با خواهد افزود ، یکی از دانایان میگوید « قابلیت دوستی سیاسی ملتی حاصل تواند کرد که قابل دشمنی باشد ، یعنی قوت و قدرت یا جرأت و جبارت دشمنی

داشته باشد، چون زیاده بر این تشریح این نکته شاید بزنم یا بر خورد باقی را بوجدان ارباب حل و عقد وا میگذاریم و باین کلام خاتمه میدهم که دوستی سیاسی در قاعده شمشیر است نه مرألت تراکت بین المللی

تکلیف کنونی ایران

تکلیف کنونی ایران (اعم بر اینکه حکومت انگلیس لیبرال ماند یا کنسرواتیو، دولت روس جمهوری شود یا مستبد) بر سبیل اختصار بترا ذیل است، ولی ممکن است فردا مقتضیات سیاسی تبدیل یافته تکالیف ما هم تغییر پذیرد

(۱) ترك ساده لوحی و عدم اعتماد سیاسی بهسایگان و مغرور نشدن به شکارشات همراهان ارباب جراید این و آن و اطمینان نه نمودن بهخنان برخی هواداران عالم انسانیت

باید دانست که اطمینان بدترین دشمن منافع سیاسی است و امروزه بزرگترین شکارهای سیاسیون اطمینان بخریدن به طرف مقابل است بهر اسم و رسم که باشد، خاصه در کاری که خوف جدیت و ضدیت در طرف مقابل دارند اطمینان آنها بر حسب موقع تغییر میکند. گاهی با الفاظ دیپلماتی نیم رسمی مثل اطمینانهایکه دولت روس بواسطه و بلاواسطه ملت و دولت ایران و بمقام مبع ریاست روحانی اسلام داد، و در متن واقع همان اطمینان آتش درونی عمومی را سرد نمود. روسها کدام تبدیلی را تا امروز در مسلك و مقصد خود دادند؟ اطمینان که برخی جراید انگلستان و رجال انگلیس در مخالفت با تجاوزات روس در برخی تقریرات یا بعضی تحریرات دادند چه نتیجه ظاهر ساخت؟ بی این گونه اطمینان دادنها در مثل دور از سیاست تولید منافع عطیمه برای طرف مقابل می نماید، چون واقف بمواقف سیاست نمیباشند فوری دست و دل نشان از کار بازی ماند و آن حرارتیکه با اشکالات بسیار در آنها پیدا شده سرد و منجمد میدارد، اینها همه تدابیر پلنیک است که ایرانیها از ساده لوحی موقع را شناخته قافیه را می بازند مثلاً از يك طرف امپراطور روس بمقام مبع ریاست روحانی اطمینان و اعلیحضرت سلطان عثمانی را هم واسطه قرار میدهند و اعلانات رسمی و نیم رسمی به تمام دول پیش میکند که غرض مداخله بامور ایران نیست، با هم مسلم است خوش وقت می شویم، و روس پرستانهم که در هر جا هستند بآب اطمینان آتش ملته را سرد می نمایند، ولی در باطن افسران روسی مأمور می شوند بهانه پلنیک دولت خود دهند، آنها

هم شروع می کنند به بدمزگی کردن، به مساجد و معابد مسلمانان بی احترامی میکنند - بخانه های مردم ریخته بی حیا می نمایند - بلکه رد و خوردی شده بهانه سیاسی برای قیام خود بدست آرند -

از طرف دیگر می بینیم در پارلمان انگلیس اعتراض است که بر حرکات بی جای روس در ایران می شود و جرائد انگلیسی روس را هاران سخت وست میگویند انگلیس برستانهم موقع بدستان آمده هم مقالات را سند خیر خواهی قرار داده باطمینان ملت را از هر اقدامی باز میدارند ولی در عین این دیاهو ما می بینیم که بدون ضرورت و بلاجهت انگلیس سوق قشون بشیراز مینماید. بقول یکی از رموز دانان « در مسائل سیاسی هر دولت باطمینان بهسایگان زیست کند رشته حیات و ثبات خود را تبضه دیگران گذارده است »

غرض این است که ازین و بعد ملت ایران نباید اطمینان باقوال دیپلماتی احدی نماید ولو هر قدر طرفداری از آن حاضر شود و با کمال دقت دیگران افعال دیپلماتی باشد و قبل از وصول به مطلوب خود باید اطمینان را گناه کبیره بنماید. چه در اطمینان دادن دیپلمات چند غرض است - اول سرد نمودن دست و دل ما، دوم راه و ریجه کار را بدست آوردن، سوم موقع یافتن برای بهانه جوتی، چهارم - ارم حای دادن رعب خود را در قلوب ملت، پنجم عادت دادن ملت را بآن خوی های خشن و زشت

دوم - ایران باید در معاملات سیاسی خود فعلاً روس و انگلیس را بکاه بداند و تصور نماید که روس در زیادتی اسکلیس جلوگیری میکنند یا انگلیس برای حفظ استقلال ایران مقابله با روس نماید، و یقین بداند که حرکات روس در شمال حاده را برای انگلیس در جنوب صاف مینماید

(۳) اطمینان بقوای خود نمایند و بداند اگر مرعوبیت که ناشی از جهالت و عدم وقوف از حال همسایگان و اطلاع بنوای طیبی خویش است از خود دور نمایند خواهند داشت که چند قوه مانند روس و انگلیس هم در مقابل آنان بموقع مدافعه کاری از پیش نتوانند برد، و کمال اعتماد بقوت خود داشته باشند که این اعتماد مورث قوت قلب و قوت قلب سبب جسارت و جسارت مورث مرعوبیت متحارزین می آرد و این امر طیبی است و کسی انداز و اند کرد

(۴) ازین و بعد باید تجاوز همسایگان را در همان قدم اول جلوگیری نمود، و آنچه بمن است در همان اول و همه به موقع اجرا گذارد و از

پای نه نشینند تا اینکه بمقصود خود نائل گردند . و بداند اگر در قدم اول جلوگیری نشود چون توسعه دخالت‌های پلنگی تدریجی است رفته رفته دائره دخالت آنها وسعت پیدا خواهد نمود . زیاده بر این آرام و سکون ملت و دولت در قیام قشون روس و انگلیس در ایران عقلاً و سیاستاً جائز نیست . از هیجان افکار عمومی و اقدامات ملی نباید صرف نظر شود که هرروز از هیجان عمومی کاسته شود قطعاً روز دیگر مزید مداخلت خود را متجاوزین مصمم خواهند گردید و همین مسلک سیاسی دول است واحدی هم انکار نمیتواند نمود، در این موضوع خاص تکلیف دولت دیگر و تکلیف ملت دیگر است . پارلمان و انجمنهای رسمیه که بسمت رسمیت شناخته می شود وصیفته شان دیگر و انجمنهای ملیه و افراد ملت را وصیفته دیگر است . ولی ماختاً تمام باید در يك خط قدم زنند و اقدامات هر يك مؤید آن دیگر باشد .

بلی سکوت و صموت ملی کار را بجای کشانیده که نزدیک است پلنگ نازی شمال در جنوب بشکلی مدعی تر شود اگر چه . و توام جلوگیری ما از شمال و جنوب دشوار تر خواهد بود ما هرگز نخواهیم گفت که بلاصافه فلان و بهمان ایران در جنوب و شمال چنین وچنان کرده بلکه خواهیم سرود که دست‌های سیاسی خارجه دارند چنین وچنان میکنند . و بعضی ایرانیان هم آله پیش رفت اعراض آنها شده اند نه بهت ناآشنایان سیاست یقه این و آن را میگیرند

تا اینجا آنچه نوشتیم مربوط اقدامات فکری است . اما اقدامات عملی ایران بنابر مقتضیات کنونی باید ازین قرار باشد

(۱) - بی در اتحاد افکار عمومی ملت در جلوگیری از متجاوزین و همجنان، و همدرد ساختن سایر مسلمانان با ایران ، مخی نماید که بزرگترین قوای ملی سوق افکار عمومی به يك مقصود است ، چون ایرانیان را در این مقصود بواسطه عدم تربیت در پربایه منافع قوی نمیتوان سوق داد ناچار باید در سایه احکام مذهب افکار عمومی را متحد ساخته و سوق دهند و اینکه افکار عمومی متحد گردید نیل بمقصود حذر و در این اقدام رؤسای روحان را وظائف عظیم و اعتمادات خیل ذی قیمت است

(۲) ترك رابطه تجارتي و معاشرتي وغيره ایرانیان است با ملل متجاوز . و این امر در صورتی سرریانه میتواند تأثیر بخشد که از روی يك قاعده صحیح پیش آیند، یعنی تجار ترك تجارت ملازمه بن ترك ملازمت و حال و عملجات ترك حمالی و مزدوری نمایند و این اقدامات باید يكدفعه از رسمیت عاری باشد . ادارات رسمی هم در نظام

مخالفت با ملت را غیر ممکن جلوه دهند و هم در باطن مؤید این (بایکات) باشند .

بایکات بقسی که ذکر شد باندازه در پیشرفت مقاصد ملیه نافع است که هیچ اقدامی با وی برابری نتواند کرد و احدی را هم محل ایراد نتواند قرارداد ، امروز اردوی مدافع و سلاح حقوق طلبی جمیع ملل در مقابل تجاوزات همین و مروج در جمیع ملل حق طبقات مختلفه متمدنه همین است

مثلاً چند سال است جمعی بنسکالیان آغاز به بایکات و ترك استعمال امتعه انگلیس نموده ، با آن استیلای حکومتی انگلیس نمیتواند هیچ بگوید ، و در ابتداء جمعی قلیل بوده و کم کم بر عده آنها افزوده و دارد روز افزون انتشار پیدا می کند و ازین رو خسارات عظیم بدولت انگلیس وارد آورده و بقیده برخی آنچه هند را محقوق خویش نائل کند همین اقدام خواهد بود . و در سایه جدیدت اصلاحات بزرگ و حقوق عمده حاصل نموده اند که ده سال بعد هم حصول آن برای هندیان متصور نبود

شرط اعظم این اقدام استقلال و قناعت ملت میباشد و ممکن است این اقدام در آتیه داعی به ترقیات صناعتی ایران هم شود، و همین نکته میتواند تشکیل رقابتی در جلو متجاوزین هم بدهد، اگر ایرانیان چند ماه نبات قدم درین امر بخرج دهند هم بمقاصد خویش نائل میگردند و هم پیش از فتوحات ملی در عالم نام بردار می شوند، امروزه برای وصول حقوق ملیه بایکات که تا درجه قوت اتحاد و هم ابتکاری ملی را ثابت میکند و از آثار عظیمه تمدن بشمار است، و همین اقدام برای آتیه هم مورث یأس و حرمان اجانب شده از تجاوز باز می دارد، ولی مشروط بر اینکه تا وقتی مقصی المرام نگردند بر سر اقدام خود ایستادگی نمایند، ورنه مضرتی عظیم تر بحیثیت قومیت شان وارد آمده مزید بر جرئت اجانب میگردد ، ملت ایران نباید درین موقع به تکلیف طامری دولت در ترك (بایکات) گردن نهد چه نزاکت بن المللی مقتضی آن است که دولت ترك (بایکات) را از ملت خود خواهرش نماید اقدامی بر نفع تر و بی زیان تر ازین در جلب حقوق ملی برای ملت متصور نیست و نباید پیش ازین صبر کرد و موقع بهانه جوئی بهمسایکان داد ، مقام منبع ریاست روحان اسلام هم درین موضوع خاص وظائف عظیمه خود را جدا باید معمول دارند

(۳) هیجان عمومی ایرانیان در خارجه و داخله حتی در پای تخت های دول است - انجمنهای ملی ما در خارجه گویا همچو تصور کرده اند که تمام کارها انجام پذیرفته و حال آنکه هنوز اول کار آنهاست

کنجمنهای ملی ایرانیان در خارجه منتهای سی اقدام را باید در هیجان سایر مسلمانان و همدردی با ایران به نمایند - این سکوت و صموت این دو سه ماه مزید بر جبارت متجاوزین ردیده دارد جای خود را مستحکم می نمایند و هر - اعانت در صد دست آوردن بهانه اند و اگر چندی دیگر بدین منوال بگذرد قطعاً بهاء هم بدست خواهند آورد - از اثر هیجان سیاسی ملی در عوالم سیاسیات غافل نباید شد - این هیجان -یر از ناامنی و اعتشاش است و این را هم باید دانست دولت باید مع از جنبش ملی نماید ولی تکلیف ملت برقرار داشتن هیجاست تا حصول مقصود ، عجب نفلت یا دوره نهی ایرانیان را فرا گرفته که نزدیک است جمیع شرافت و افتخارات تاریخی آنها را که بنازی حاصل نودماند زائل نماید

قشون مرتب آماده دارند ، اگر همین قدر قوه که باندک توجه ممکن است بتوانند تحت تربیت و انتظام بوضع جدید مرتب دارند بخوبی صیانت ایران از تجاوزات بلندیکی خارجه مصون خواهد شد و گویا بودجه کمونی وزارت جنگ در تشکیل چنین قوه (اگر دست خیانت در او دراز نشود و از روی علم رفتار شود) کافی است ، بر فرض که کافی هم نباشد باید از سایر مصارف کم کرد و بر آن افزود . و هرگاه کمی در سایر مصارف هم ممکن نشود باید کمی بودجه مصارف جنگ را بر مالیات و بدهی رعایا افزود و ملت ایرانهم با کمال رشیت قبول خواهند نمود چه بنای استقلال ایران منوط بر تحصیل چنین قوه است و بس

(۷) آمادگی ملت است در جلوگیری از تجاوزات اجنبیه باسم جهاد تدافعی ، دولت نظر مراعات نزاکت بن المللی مدواً نباید درین امر اقدام نماید بلکه بنا بظاهر باید منع نموده و ضمناً واسطه رفع غائله شود . این وظیفه اعظم تمام راجع و مربوط بتمام مبدع ریاست روحانی اسلام است ، چون مکرر درین موضوع بحث شده گویا مستغنی از تشریحات ناوی باشد . فقط در اینجا از بیان يك نکته نا یاریم که دوره تمام و راحت طلبی که از بعد معاهده ترکمانچای تاکنون دامنگیر ایرانیان گردیده طبعاً يك گونه بزودی و مرعوبیت و راحت طلبی مانند دوره شاه سلطان حسین در ایرانیان تولید نموده و سبب جمیع خرابیها و علت همه بدبختیهای ایران همین است و بس ، و تا وقتی که ایرانیان دو باره سلاح حقوق طلبی بدست نگیرند محال است دوره نادری برای آنها عود نماید و شجاعتی مانند نادر و سران سپاه او در ایران پیدا شوند و تا چنین نشود همسایگان جنم از حق تلفی ما خواهند پوشید و ترك تجاوز خواهند گفت . و ما همچنانیکه درین انقلابات خونین دوره محمد علی ده سال ایرانیان را پیش افتاده می بنداریم چنان میدانیم اگر میدانان جهاد تدافعی هم پیش آید ایرانیان بلکه اسلامیان صد سال جلو خواهند افتاد و هرکس عبر ازین تصور کند باید گنت از اوضاع طبیعی عالم بی اطلاع و از مقتضیات وقت غیر واقف و از موانع همسایگان بی خبر و از تجدید ادوار تاریخ ناواقف محض است

(۴) برقرار داشتن يك هیئت سیاسی رقابتی است در مقابل دول متجاوز . و تشکیل چنین هیئت امروزه برای ایرانیان محصر است در اتحاد با آلمان و عثمانی و اطریش و ایتالی و برخی از دول کوچک - و این امر دو شعبه دارد ، یکی راجع به ملت است و دیگر بسته با اقدامات دولت ، و هر يك ازین اقدامات هم باید هم سری باشد و هم علنی ، و در باب اطلاع پوشیده نیست که بسا معاهدات سری دول است که بعد از ده سال افشای می شود و ایرانیان در صورتی هم که از تجاوزات همسایگان آسوده بمانند تا سی سال دیگر باین گونه تشبثت محتاج خواهند بود

(۵) سلب اطمینان علنی از ملل متجاوز از قبیل عدم استخدام از آنها ، عدم استقراض از ایشان عدم اعطای امتیاز با آنها و مقابل آنان رقبای آنها را واداشتن ، این اقدام نیز در سیاسیات اثرات عمیق تواند ظاهر داشت

(۶) که اساس جمیع اقدامات فکوری و عملی سری و علنی شناخته شده جدیدت در تشکیل قوای حرب است چه با تفاهای سیاسيون هیچ دولت تا دلرای يك قوه تدافعی نشود از تجاوزات همسایگان خود مصون نتواند ماند ، امروز ملت و دولت ایران راست که بهر گونه فدا کاری است يك قوه تدافعی منسجم و سرما تشکیل نمایند و اولاً از صد المصلحت

... نقل از روزنامه لندن ...

کمیون جنگ یا شورای عسکری

کمیون جنگ مرکب است از چهل نفر صاحب منصبان نقای با علم و عمل مشروطه خواه و چند نفر مأمورین بحرب کشوری که هم خود را صرف رفع بی ترتیبی های استبداد و اصلاحات نقای و ترتیب قوانین عسکری و دوائر قشونی مینمایند ، عجاذه تا مجلس شورای ملی منعقد شود و دوائر نقای به ترتیب دوائر نقای اروپا متشکل گردد این کمیون قائم مقام عموم دوائر نقای آتیه است با نداشتن پول و بی ترتیبی ادارات انصافاً اعضای این مجلس تا بحال که چند روزی پیش نیست خیلی کار کرده اند

من جمله تمام ذخیره و اسلحه دولت را که بواب محمد علی میرزا محل سلطنت آباد و قزل قلعه ذخیره کرده بود که در مقابل ملت استعمال کنند و هم بی صاحب و پرستار در باغات روی علنها کوه کوه ریخته بود با کمال تدبیر و کاردانی در طرف ده دوازده روز محل شهر و در ذخیره دولتی جا داده و ریاست ذخیره را بحجاب نظم الدوله تصویب کرده اند کمیونی دیگر برای جمع آوری اسلحه متفرقه که با جامر و اوباش تقسیم شده بود مهین کرده و تا بحال خیلی جمع کرده اند

برای رسیدگی بنظم اهالی تمام مکافات و مجازات آنها یک شعبه دیگری موسوم بحاکمات نقای مرکب از چند نفر صاحب منصبان قانونی مشروطه طلب ریاست جناب ضیاء الملک همدانی تشکیل داده اند دنتر لشکر را به ترتیب جدید یعنی به ترتیب دوائر قشونی اروپا ریاست جناب ونوق السلطه تنظیم کرده مشغول اصلاحات

از قرار اطلاعات اخیر حال مشغول تهیه یک اردوی منظم بسبک نام جدید در طهران ریاست نواب والا امیر اعظم هستند ، این اردو موسوم باردوی اول و یکی از پنج اردوی منظمی خواهد بود که عنقریب در ولایات پنجگانه مرتب خواهد شد

ما منتظریم امیر اعظم و اردوی اداره ایشان (مودل) و سرمشق اردوهای دیگر گردد ، و چنانچه متاور نثر ملت است این اردو را بزودی مرتب وده و شرف پیش قدمیا در این خط بخود عاید دارند

کمیون محترم جنگ در صدد آن است که سرکرده های افواج و رؤسای قشون کهنه مغز را تبدیل بصاحبمنصبان عالم مشروطه خواه نماید این یکی از مهمترین خدمات کمیون ملت خواهد بود امیدواریم که این کمیون محترم سایر ادارات نقای را هم بتدریج از بد اقتدار مستبدین مشروطه نما خارج نماید و در تحت تنظیم آورد

دولت روس بموقع دریافت که در امور داخلی ایران و منازعات بن شاه و ملت نباید مداخله نماید مشروطه طلبان در نگاهداشتن کمال ایماختن موقتا در خدمت و رعایت احترام بروسهای مقیم ایران منتهای بزرگ منشی و نجابت خویش را نشان دادند در واقع حی دارد که بقل آنها اعتراف و بحقیقت استقلال ایران اذعان نمود

تذکره تفریکیه آیتن علین

(از قصر طهران)

توسط حضرت اشرف اعظم آقای عضدالملک نایب السلطه دولت علیه ایران دامت شوکته ، حضور اندلی حضرت همیون شاهنشاهی ادام الله تسالی سلطانه بحمد الله تعالی و حسن تأئیده و توجهات مقدسه حضرت ولی عصر ارواحنا داء نعمت جلیوس مسعود همیون باریکه سلطنت و مرزبانی از اعظم مواهب الهیه عزاسمه ، و از اعیاد ملیه و دولت و ملت را حیات تازه بخشیده انشاء الله تعالی هم واره این موهبت کبری و عید اعظم ملی بر اسلامیان پاینده و مبارک و بدوام تأئید و تسدید در اجراء احکام شریعت و احیاء دولت و ملت و سد خلل و تدارک خرابیها و عمران مملکت و تشدید اساس قویم مشروطیت و بیط بساط مهملات مقرون و سلطنت عادلانه آن شاهنشاه جوان بخت اولین روز سادات ایران و بانی سلطنت تاریخیه انوشیروان خواهد بود انشاء الله تعالی (محمد کاکم الخراسانی) (عبدالله الزندران)

ایضاً

خدمت ذی شوکت حضرت مستطاب اجل اعظم آقای عضدالملک نایب السلطه دولت علیه ایران - در این موقع که کمشی بحیثیت استقلال ایران در امواج فتن متلاطم ، و یا آخرین مرحله رسیدن بود جداقتضای

جلوس مسعود مبارک اعلیحضرت هاپون سلطان احمد شاه ادام الله تعالی سلطانہ باریکہ سلطنت اسلامیہ و قیام یگانہ وجود محترم ما کفایت و دین پرست وطن پروری مثل آن حضرت اشرف بقیام منبع نیابت قانونیہ موجب فور ساحل نجات و حیات جدید و اولین روز سعادت و دولت و ملت را روحی تازه میدید، هواره دوام ایام معدلت گستری شاهنشاه جوان بخت و کمال موقیت حضرت اشرف عالی را در تحت قبه منوره علی مشرف السلام خواستار و بشارت اصلاح داخله و دفع تشبثات خارجه را عاجلا مترصد و امیدواریم الشافقه تعالی (محمد کاظم الخراسانی)

(عبدالله الزندران)

زنجان عره شعبان

مشقاد نفر سواره و پیاده مجاہد دوجی و بمقانی که بزنجان آمده از طرف دولت برع سلاح شده اسلحه خود را تسلیم نموده اند ورود حاکم جدید امنیت را کاملاً برقرار خواهد ساخت

طهران

جناب سهام الدوله که بحکومت فارس و فرار گردیده بود روز جمعه با استعداد مقامی بفر حکمران رهسپار گردید بموجب اخبارات واصله جناب سردار مصتمد که بعد از حرکت جناب اشرف سپهبدار اعظم از رشت بسمت نیابت حکومت گیلان منصوب بود از طرف وزارت جلیه داخله بحکومت گیلان برقرار شد جناب ممبر الدوله بحکومت خسه معین شد جناب صدیق الدوله بحکومت کاشان منصوب گردید جناب سردار جنگ بختیاری بحکومت یزد منتخب شد

جناب معین حضور بحکومت دماوند معین گردید در موقع نقشب و رسیدگی بخزینہ سلطنتی منداری اشرفی ناصرالدین شاهی و مظفرالدین شاهی دلامدتها در خزینہ و از انبار مستور مانده بود بدست آمده از قرار تحقیق باغ به شصت هزار تومان است

کشف این مجهول مفترا ما از اعلام خوشبختی و سعادت آشیان سلطنت شاهنشاهی

اساسی بازرده نفر وکلای طهران (حاجی سید نصرالله) (احتشام السلطنه) (وثوق الدوله) (حکیم الملک) (صدیق حضرت) (قتی زاده) (مستشار الدوله) (ذکاء الملک) (صنیع الدوله) (حسن قلی خان نواب) (اسدالله میرزا) (آقا شیخ حسین یزدی) (یحیی میرزا) (مؤتمن الملک) (وحید الملک)

تذکرات اعلیحضرت سلطان محمد حاس (سلطان عثمانی در تبریک جلوس)

(اعلیحضرت شاهنشاهی)

در موقع جلوس آن اعلیحضرت بخت سلطنت اجداد تاجدار خود تبریکات خالصه خود را تقدیم نموده و امیدواریم که در شامراء ترقیات این عصر این اساس مشروطه موجب سعادت آن اعلیحضرت و ملت ایران گردیده و تمام ممالک ایران در تأیید و استکمال مشروطه متحد و متفق شوند .

(محمد رشاد)

۱۲ رجب ۱۳۲۷

جواب از طرف اعلیحضرت زهریاری

تذکرات تبریک آن اعلیحضرت در موقع جلوس مسرت بخش خاطر مودت ذخایر گردید، نیات حسن آن اعلیحضرت در ترقی مملکت و ملت ایران احساسات قلبیه را تکمیل کرد . اینک تشکرات صمیمانه خود را از این حسن ملاطفت اطهار و ادعیه خالصه را قبول . مزید سعادت و نیکی مملکت و ملت عثمانی با انتطار تکمیل روابط و اتحاد و آفاق منوی بین دو دولت اسلام در حفظ و تأیید اساس مشروطیت تقدیم میدارد

بام اعلیحضرت شاهنشاهی نایب السلطنه

۱۲ رجب ۱۳۲۷ (عبدالملک)

تذکرات تسلیت اعلیحضرت شاهنشاهی

(به اعلیحضرت سلطان عثمانی)

از خبر محنت اثر حضرت اقدس اشرف والا سلیمان افندی نهایت متأثر و منام گشته تسلیتهای صمیمی قلبی خود را بآن اعلیحضرت تقدیم و از خداوند مسئلت مینماید که من بعد ایام سعید آن اعلیحضرت قرین مسرت بوده و بیچوجه انسرذگی

نام اعلی حضرت اقدس شاهنشاهی

(نایب السلطنه عضدالملک)

(جواب به حضرت اشرف عضدالملک نایب السلطنه)
از تعزیت و تسلیق که حضرت اشرف شاهنشاهی
اعلی حضرت شاه در مقدمه نوبت یکی از اعشاء
حیوانه این سلطنت بمن کرده و احساسات قلبیه
خودتان را اظهار داشته اید از حضرت اشرف
تمنا دارم امتنان قلبی مرا به اعلی حضرت شاه ما
دوستی و تشکرات حالمانه تسلیم فرمائید

(محمد حسن سلطان عثمانی)

... نقل از روزنامه حکمت ...

عجرج الحی من الیت یا گواه

(حل جناب شیخ مهدی مجاهد)

(همه کس ناخلف پسر دارد - اوی بیچاره ناخلف پدرش)
ما پیران - آل در ضمن کردار و رفتارهای
نامسخر شیخ نصیحه ماری بیده از حالات پسر
رحمدش نوشته که چگونه جان از او بدر برده و
سد برنگ و ریوار را در خانه میرزا محمد حسن
پوری که از خویشانش بود به ضرب لطمه و چوب
زارش نمود .

و هم در این شماره در ضمن اخبار طهران
خودش را در برابر پدر درگاه بدار شدنش و
اطهار شادمان نمودش را در مکتب پدر نوشته ایم .
هنوز جریده تمام شده بود ~~که~~ اعلان از جناب
شیخ مهدی پوری مشارالیه که از آغاز کار منروظیت
سلطنت سینه سپر و آماج تیرهای جاگداز دشمنان
دین و ملت بوده و ما پدر ما بکارش کوس مخالفت
را آشکار میزد تا اینکه به سعایت آن نابکار این
آزاده مرد منکوب و منی گردیده و پس از خلع
مستبد اعظم بطهران آمده و در جلسات محاکمات
بدر بدسیر خود حاضر و ناظر گشته و تا پای دار
هم تشییع مقدم پدر نموده پس از محو وجود و
ناوود شدن بدر اعلان زیر را نوشته و خود را
از سنگ ابدی بدر باز رها نموده و نص آن این است
خدمت عموم هموطنان عزیز و برادران ایرانی
خودم بمرض میرسد - انم چون خواطر محترم عموم
کاملاً مسبوق است که داعی خدمت گذار وطن و
خواه آزادی از بدو تکلیف و ابتداء عهد
الامانی که در نظر داشتم ، پیروی مسلک (پدر)

را عقلاً و شرعاً جایز ندیدم و از همان وقت خود را
از خانه و حوزه و مراودات آنها خارج نمود
تا آوازی که حس وطن دوستی و آزادی طلبی فرزندان
حاکم پاك ایران بیدار و برای مطالبه حقوق خود
قیام نمودند (داعی) هم بقدر قوه در همه جا
همراه هم صدا بودم و حتی از (شی بدو و تبخیر)
هم دست از مقصود مقدس برنداشتم اکنون لزوماً
اطهار و اعلان مینماید که این خدمتگذار وطن را
بزیج وجه در حزنی و کلی کارهای (بدر) دخیل
و شریک بدانند و از همه استعفا دارم حتی از
(ارث شرعی و حق مشروع خودم) علی هذا
هر کس با آنها طرف داد و ستد و سایر عنوانات باشد
با اهل الیت و ورثه رجوع نماید و بدون جهت
اسباب زحمت و درد سر دعا گو نشود و بگذارد
بسیقه خود بوظیفه ملیت مشغول باشم و از عهده
این تکلیف انشاءالله برآمده اداء این دین را از
رقبه انسانیت خود کرده باشم .

مهدی التوری شهر رجب المرجب ۱۳۲۷

چنانکه در ضمن اخبار طهران نوشتیم میرهائیم
مرتد را به لباس عرب در قریه (لواسان) نه فرستگاری
طهران با جیب و بغل پر از زروسیم گرفتار نموده
و از بالای دار به دارالبوار فرستادندش ، جناب
شاعر طاهر (صبوری) دو بیت در مخالفت فار
سروده و الحاق بنظر فرموده و این است .

گاهی ز (مسیح) سرفرازی ای دار

یک روز به (منصور) نازی ای دار

از آتش ننگ (شیخ) و (سیدهاشم)

تا حشر بسوزی و بسازی ای دار

تنگراف از طهران به کرمانشاهان

(نقل از روزنامه کرمانشاه)

بموم حکام ایالات و ولایات تلگراف نمود
چون در این تغییرات جدید غرض اصلی و کایه
مقصد و مقصود اوایه امور محصور بر این بوده و
هست که مطابق اصول و قواعد صحیح بتزیب ادارات
شروع شده مسائلی که لازم و ملزوم حسن جریان
امور و قابل اعتنای مخصوص است در کمال مجتهد
مرتب و منظم گردد و یکی از وظایف مهمه وزارت
داخله تاسیس اداره احصایه همومی است که ماخذ
محصی از تعداد نفوس کل ایران میشود و برای

امر انتخاب که از روی عدد نفوس معین شد است در آتیه بطور تحقیق میزانی در دست باشد لهذا وزارت داخله انجام و اجراء مواد ذیل را ازان حکومت جدا مطالبه مینمایند

ماده اول در شهر حاکم نشین بکلانتر و کدخدا های محلات و در خارج شهر بحکام جزء دفتر مخصوص برای ثبت عدد نفوس هر محل داده شود که اسم و سن و وضع و حالت خانوادگی و حرفیت و صنعت هر کس را از زن و مرد با درجه معلوماتی که دارند در دفتر مزبوره بنویسند

ماده دوم صاحبان ملل متنوعه نیز از ارامنه و یهود و مجوس و کلدانی در ضمن شماره نفوس و ترتیب مذکور در ماده اول در همان دفتر تعداد خواهد شد

ماده سوم همچنین بحکام جزء قدغن شود که دستورالعمل و توضیحات لازمه که راجع ماده اول است با کتابچه های مخصوص برای کدخداهای ونواب و مباشرین قراء و دهات ارسال دارند

ماده چهارم علاوه این دفتر های دیگر برای تعیین ولادت ها و عروسها و تلفیات و مهاجرت های دعایای داخله بخارج یا خارجه بداخله و قیاس نمودن عدد ولادتها بعد از تلفیات و اینکه تلفیات بجه واسطه و چه مرض بوده است مرتب نموده برای کلانتر و حکام جزء و کدخداهای ونواب و مباشرین دهات بفرستند که مباشر هر محل با کمال مراقبت مسائلی فوق را در دفتر هائیکه باو داده میشود ثبت نماید

ماده پنجم اوراق دفاتر مذکوره باید نمره گذاشته شده در ورق آخر کتابچه از طرف حاکم کل نوشته شود که عدد اوراق جقدر و چند صفحه است و ذیل آن نوشته باید بمر و امضای حاکم برسد

ماده ششم در آخر هر سال کتابچه های مزبوره را باید در دفتر ایالتی یا ولایتی ضبط و یک نسخه از آن بوزارت داخله فرستاده شود و برای سال آتیه کتابچه ها را بترتیب مذکور تجدید نمایند

ماده هفتم این دستورالعمل وزارت داخله باید ده روز بعد از وصول این تلگراف باجراا رسیده جوقع شروع را اعلام نماید و لازم است این تکلیف را در هر صورت در هر شهر و ایالت و اعلام کنند که اجراء

ترتیبات فوق فقط برای تعیین عدد نفوس اهالی است و بهیچوجه بعنوان سرشاری جدید یا اضافه مالیات چیزی بر آنها تحمیل نخواهد شد

وزیر داخله

... و فایع بکار ما از کرمانشاه

(دوشنبه ۲۰ شعبان)

انجمن ولایتی فوق العاده منعقد گردید . نمایندگان دارالشورای ملی که عبارت از آقای آقا سید حسین کزازی و آقای معاضدالملک و شاهزاده محمد السلطان باشد حضور پیدا نمودند و اهالی هم از اعیان و اشراف و کسبه مصمم ار برای مشایبت و کلاه شدند پس از قدری مذاکرات برخواسته با اتفاق آقای حکمران و اعضاء انجمن تا درب حیاط انجمن رفته آقای آقا محمد مهدی نطق بلیدی در اظهار اتحاد و اتفاق قلبی اهالی با وکلاء دارالشورای ملی نمودند . پس از وداع نمایندگان ملت با اتفاق اهالی تا دروازه کاری خانه رفته و صدا را بزنند باد دارالشورای ملی زنده باد وکلاء دارالشورای ملی پاینده باد . سروطیبت پاینده باد ملت غیور آذربایجان بلند نمودند و کلاه را وداع گفته بشهر مراجعت کردند . در قلبی از آنان هجوم بدیوانخانه آورده و اظهار نمودند که بجهت ورود عسکر سلیم (در واقعه اواخر ج ۲ با معبر الرعیایه و برادرانش فرار نمود) سلب امنیت از ما شده انجمن ولایتی هم لزوماً در حیاط بدستان با حضور آقای حکمران تشکیل شده بود و در همین موضوع مذاکرات نمودند بدوا گفته شد که باید عسکر را از خانه آقای آقا رحیم که محسب جنبه جلب بدلیه و استنطاق نمود (چنانچه عسکر همین طور خواهان شده بود که اگر مرا تصیری هست استنطاق نموده مجازات دهید) بالاخره صلاح در احضار مشارالیه بدلیه ندیدند بنابا در وقت آوردن صدمه بوی وارد آید

کثرت آراء بر آن قرار گرفت که مأمور از طرف انجمن و آقای حکمران رفته عسکر را بیرون کنند مشارالیه هم اطاعت از مأمور نمیکند برخواسته از خانه آقای آقا رحیم بخانه آقا شیخ هادی میرود در آنجا هم عذرش خواسته میشود و شب را بجهت جنبانی که سابق کدخدا بوده رفته علی الظاهر شب را آنجا بماند و صبح با اکبرخان برادر معین الرعیایه

بابا را با عده سوار متجلاً روانه دارید و سردار
مظفر هم اطلاع دهید وقت شنبت است
(پنجشنبه ۲۳ شعبان)

انجمن ولایتی فوق‌العاده منعقد معین‌الرغایا را
احضار نموده و همچنین ظهیرالملک را و امر اصلاح
را انجام دادند که معین‌الرغایا از گذشته صحبت ندارد
و نوشته صلحنامه بمهر طرفین اخذ شد و در ضمن
انجمن نهادند ، و تلگراف بطهران هم نمودند ، و
کیفیت صلح را اطلاع دادند

(رسیده بود بلائولی بخیر گذشت)

﴿ سده مضحک ﴾

(وقایع نکار ما)

(کارج) چهار فرسخی کازرون تیول مشارالدوله
حیدریک پسر ملا محمد شیع کارجی است که حالا حیدر
خان و بزرگ و سرصف بهادران آن‌صحنه جلت است
حق حکومت کازرون را بزور فتک و کشتن جمعی
مسلمانان بدست آورده و دختر خواجه حسن عبدالله
برادر خواجه ابراهیم مقتول را بقصد خود دو آورده
که راه و چه مداخل کردن از اهالی را این‌وجود
محترم باو نشان بدهد ، نوکری داشته ماندنی نام که
از کوچکی پیش آنها و محرم بوده ، این اوقات زنی
گرفته و در برده محل توجه حیدر خان شده بود
ماندنی مذکور به رگ غیرتش خورده یکساعت از
شب گذشته در کازرون در خانه حیدر خان رفته
و او را تیر میزد و فرار میکند ، چند دنده حیدر
شکسته و از خطر گذشته لاکن میگویند چند روز
است نفس او بشماره افتاده و بعنوان وصیت و
سنازش دست خورشید خان کاکا سیاه خود را بدست
خواجه حسن عبدالله داده و گفته این را بتو سپردم .
در توصیف خورشید همین بس که مثل خورشید
جهانتاب که جمیع ذرات از نور وجودش بهره ورنند
جمیع ذی روح آسمان و کلیه قوافل و طابریسیل از
ظلم و تعدی او بهره ور هستند ، از مطلب دور نشوم
بعد از فرار کردن ماندنی همه جا تلگراف و تلفون
میزنند او را در مزرعه (احمد محمدی) دستگیر و
آتش زده سر او را بکازرون می‌آورند و همان شب
که خان تیر خورده اعوانی بخانه خویش و اقربای
ماندنی ریخته نه فرزن و مرید بنشیند و کلاه را به
داده و ...

و عده از پیاده ورود بتلگراف خانه نمودند و چند
نقطه را از اطراف سنگر ندی کردند
(سه شنبه ۲۱ شعبان)

صبح خبر ورودشان در شهر منتشر شد اهالی
از وقوع این حادثه پریشان حال گردیدند ، کسبه
اسباب دکا کین را بخانه نقل نمودند ، انجمن ولایتی
هم تعطیل شد (اصل مهم — اساس مشروطیت
جزء وکلاً تعطیل بردار نیست) اگرچه اکبرخان
بصدای بلند فریاد نمود که جز اسباب دکا کین را
میبرید کسی را با شما کاری نیست ولی کسبه اعتنا
نکردند بخمال آنکه مثل سه سال قبل اکبر خان
آمده بازار را غارت کند غافل از آنکه آن سبب
بشکست و آن بیانه ریخت ، خلاصه خانواده ظهیرالملک
هم مستعد و منتظر آمدن ظهیرالملک و اعظم‌الدوله
بودند ، معین‌الرغایا با عده سوار کلیائی ورود بلاق
وسطام نمودند ، طرف عصر تلگرافی ازوزارت داخله
بتوسط آقای حاکم‌المرکز رسید مشعر بر احضار
ظهیرالملک و اعظم‌الدوله و امیر مقتدر بطهران ، امیر
مقتدر گفت سنگرهای اطراف طارا تخلیه کنند و
با امنیت بدهند تا حرکت کنیم

تلگرافی هم مشعر بر احضار معین‌الرغایا بتوسط
شاهزاده مظفرالسلطنه فرستاده شد درست اطلاعی
از جواب معین‌الرغایا نداریم

(چهارشنبه ۲۲ شعبان)

مقارن طلوع آفتاب ظهیرالملک ورود نمود .
انجمن ولایتی هم منعقد گردید و در صدد بودند که
نوشته وکالت از طرفین بگیرند ، ظهیرالملک گفته بود
هرطور انجمن صلاح در اصلاح بداند ما اطاعت
خواهیم نمود ، نوشته وکالت هم دادند ، از طرف
انجمن آقای خیرالسلطان رئیس تلگراف و آقای
فریدالملک کارگذار و آقای آقا سید حسن و شاهزاده
محتشم‌الدوله حرکت بطائی وسطام نمودند که نوشته
از معین‌الرغایا گرفته قرار صلح را بدهند (امروز
شهر امن ، طرفین از تلگرافات احضار بطهران مضارب ،
میانجی طلب میکنند) طرف عصر آقای محتشم‌الدوله
& حضرات آمدند از مذاکرات آنجا مستحضر
ستیم ، از قرار معلوم معین‌الرغایا را همراه آورده بودند
نوشته از معین‌الرغایا بدست آمده که بسمصام‌الملک رئیس
سنجایی نوشته بود که ما شهر را متصرف شدیم خان

و در این چندروزه ۲۵ واس گوسند قربانی و چند خروار جنس بجهت سلامتی وجود خان صدقه میدهند .
 تفصیل این خان بسیار است . منجمه از سه سال قبل بنای تعمیر کارج و سه اخن برج و بارو و تحصیل اسباب خانه گذاشت که الحقی همه را از عمر حلال تحصیل بدون ذره بی اعتدالی نموده است . آنچه قافله در عبور و مرور بود هر يك را ده روز ۲۰ روز الی ۳۰ روز بار ریخته قاطرها مشغول کشید سنگ از کوه و آوردن گچ و سایر لوازمات بنای بودند و آنچه در کارج و مزارعات قلمرو او رعیت بود مشغول جنگی و آنچه مال التجاره بود میزی و مفتشی میشد . البته مال التجاره که از دریای چین و ماچین و انگلستان و هندوستان و عثمانی و روسیه از طریق خلیج فارس بداخله ایران میبود فارغ از شرح و بیان است . هر چه سرکار خان لازم داشت اختیار میکرد و ما بقی در کمال تندر خواهی تسلیم مکاری میشد . بحدی رسید که واقع جمیع مردم عابرا السبیل و تجار بستوه آمده و چون دستشان از چاره کوتاه بود ناچار راه عبور قافله را تغییر داده و مدتی است از طریق فیروز آباد که چند میل دورتر و کم آبدی است تردد میکنند . و جلوسار ها خوش حال و مسرور هستند که کسی در آن راه مزاح آنها بست لاکن این مسئله هم واجب است عرض شود . با این همه خصایلی که در باب خان و خورشید خان عرض شد جماعتی او را دوست میدارند و تعریف میکنند که نسبت به خوانین و کلانتران من ازل دیگر باید حیدرخان را سجده کرد که خیرالطلب بود . و اوقاتی که قافله از این راه عبور میکرد باری دو شاهی بیشتر نمیگرفت ، در اینجا باید گفت که (ویلئس کفره نمرود) ولی شاعر گفته (عیب می همه بگفتی هنرش نیز بگو) حیدر خان چند صفات خوب دارد که منجمه درستی حساب است که با اغلب از تاجر نمایان و غیره معامله و داد و ستد چند چشمه تنخواه مخصوص از قید تنگ و فشنگ و جوهر که از طرف دولت مانع الدخول است و پنازگی کبابی تشکیل شده که گریزاندن مال التجاره از قید تریاک و چاهی و غیره باشد با این کبابی هم تریاک و رفیق است که آنها بگریزانند و او بمحل قصود برساند و مسموم میشود که این کبابی خلاف دوست

و ترقی پیدا کرده که برات یکدو هزار بر آن میشو واقع خوبست جمعی از این ساره سیر میشوند هرچنان بعضی شکایت دارند که تجارت چاهی و غیره که کبابی شده برای ماها که شرکت در کبابی نداریم ضرر کابی کرده زیرا که چاهی سیاه یکدن شش قران و چاهی سفید ده قران گمرک دارد و قوق از گمرک معاف شد البته اوزان فروش میبود و جنس ما که گمرک داده ایم ضرر میکند باید آنها را هم دلداری داد که چه عیب دارد به نوع شخص نمی برسد . و اگر کسی پرسد که این همه مواجب کزاف که در سال دولت ایران باجزاء گمرک جنوب میدهند و این چند جبار که هزاران خرج تراشی و مواجب دارند چرا جلوگیری از مال التجاره دزدی نمیکند و این همه مواجب تنگنجی گمرک که بخرج دولت می آید آنها شورور خواب هستند یا خار که این همه جنس بدون اطلاع گمرک حمل و نقل میشود . خواب آنها ایست البته شما صدق میفرمائید و این مخارج صحیح و مواجبها درست است لاکن مشهور است میگویند همه (ملا قلی) وقتی جمیع آنها بتدری مفدور سهمی از این سفره مرتضی علی میبرند کبابی با کسی حریف بست ، اگر تنگنجی صحرا هست که سرکرده آنها خودش اهل صحرا و جزء کبابی است . اگر رؤساء گمرک جزء هستند که می توانند همراهی سلطان خان و سرکرده ولایت بدان باشند که آنها را میکشند . اگر عمه جت جهازات است که همه اهل دریا و هم کار و ملاحظه دارند . مختصر عرض کنیم هیچ زمانی گمرک باین شلفی و تاجر نمایان باین بی پروائی بودند . اینهم از ضعف دولت است

جواب تلگراف وزارت مالیه از اصفهان (۲ شعبان)

بخدمت ذی شوکت حضرت اجل شرف اکرم امجد آقای وزیر مالیه دامت شوکت . محترم تلگراف که بعنوان جناب جلالناب آقای میرزا اسدالله خان پیشکار مالیه مخبره شده بود در انجمن قرائت شد چون توضیح مطلب لازم بود و معلوم شد مطلب باشتباه گذشته ناچار این شرح را برای استحضار خاطر شریف عرض میکنیم . انجمن ولایتی اصفهان هرگز برخلاف قانون مجلس مقدس اقدامی نکرده و نخواهد کرد تا چه رسد باسکه در مقام نفع

قوانین و احکام مجلس برآید گویا مطلب خیل در برده مانده و باشتباه گذشته انجمن اصفهان میتواند مدلل دارد - بر پیشرفت مقاصد مشروطیت و در ماده مجلس که اساس طاهر و باطن آن از تیشه استبداد خرابشد پیش از همه جا سعی بوده اقدامات مفیده بجا آورده قسمی که بر احدی در داخله و خارجه مشتبہ نیست

اولا سراوار نبود که زحمات اهالی اصفهان را باین زودی کان نم یکی فرض فرمائید و ببارات خشن قلوب آنها را آزوده فرمائید

ثانیاً در اصل مطلب بمصداق (الحاضریری ما لا یری القاب و اهل الیت ادری با فی الیت) اگر اطلاعات اعضاء انجمن از وضع اصفهان بیشتر باشد نقضی برای مجلس مقدس و وزارت جلیله مایه نخواهد داشت. هر عاقلی میداند اصفهان منزله قلب مملکت ایران است اگر مرضی در قلب عارض شود قهراً همه اعضا سرایت میکنند چنانچه ملاحظه فرمودید وقتی که در اصفهان برای خراب بنیان استبداد هیجان ظاهرشد چگونه اثر و نتیجه به تمام نقاط بخشید نمیدانیم بجه ملاحظه در این موقع در حالی که سایر ولایات هیچ کدام حاضر برای این کار نشدند و هنوز استقراری در مشروطیت پیدا شده و اهالی بعد از صدمات وارده راحت مشروطیت را ندیده و بعد از آن هر تلخی زحمات شهد عدالتی بچشیده اند و از مشروطه بطور واقع جز اسی بدارسم نیافته اند کدام هوا خواست استبداد است که باین تدبیر خواسته پانصد هزار نفر اهالی اصفهان و توابع و بلوکات را که همگی در این مسئله شرکت دارند بکدفه بهیجان بیاورد آیا مطلب مکشوف شده که همین مذاکره بلکه فقط مطالبه جناب اقبال الدوله بصف این مبلغ اصفهان را وادار و الزام نمود که بحمدالله کوشش کردند و بنیان استبداد را خراب نمودند. خوب است تحقیق فرمایند در همان موقع صدر اعظم باقوه استبداد چه قسم استمداد و بدنامی اصفهانیا بجرم مشروطه طلبی چه شد که حکم تخنیت داد

ثالثاً تصور نفرمائید اهالی اصفهان که مطیع تر از تمام خطه ایران هستند بی جهت این عناوین را نموده و مینمایند. خوب بود مذاکره این مطلب را

عجالتاً معوق دارند تا مجلس مقدس منقذ بشود و در سه نفر نماینده از اینجا بیایند شرح حال را مکشوف دارند اگر فرضاً در ولایتی اشتباهی صحنه باقایی سررشته دار دیوان از طهران یا بی اطلاعی او باشد حاصل شود آیا قانوناً انجمن ولایتی که نظارت دارد حق دارد توضیحات خود را بمجلس مقدس عرضه دارد یا خیر، از وقتی که در زمان مرحوم میرزا عبدالوهاب گلستانه املاک و دهات اصفهان را جمع بندی کردند و میزان مدخول املاک را سنجیده مالیات را بقدر گنجایش معین نمودند و باسم تسعیر نقدی نوشتند ملاحظات گنجایش هر محل کاملاً مرتی شده از آن زمان تا کنون اضافات از قبیل دیرالملکی و امیری و غیره و غیره بر همان جمع افزوده اند که باید اضافات را بر دارند و تفاوت تسعیر را بگذارند یا اینکه چون اضافات زیاده از تفاوت تسعیر تخمید شده بهمان قناعت نمایند. جمع عوض و معوض کایتاً بریج قانون درست نیاید تخفیفات موضوعه از حشو جمع شخصی نیست که باستحقاق و عدم استحقاق اهالی منوط باشد. بلکه ملکی و برای شکستگی و کسورات املاکست و قهراً جمع بندی نموده اند بعد از وضع تحقیقات جمع مشخص کرده اند هنوز با اینکه ارباب خاصه جنت غالباً عهده مسق خود را صرف آبادی و رفع خراب آن هم نموده اند از عهده جمع دیوانی نمیتوانند بر آیند و ما حاصل املاک وفا بحقوق دیوانی نمیکند بالاجب که مرقوم میدارید اگر اهالی اصفهان حاضر نشدند بقوه جبری از آنها مطالبه میشود، گویا هنوز بچاره کی و بی بضاعتی غالب اهالی مشرود نیست، تصویری هم از آنها صادر نشده کدام ولایت است که در این دو سه سال طالبات خود را برداشته باشند سوای اصفهان چنانچه مرقوم شده ضرری و خسارتی با اهالی اصفهان وارد نیامده گویا فراموش شده که فوج ملایری و جلالی یک روز تمام مشغول غارت بازار بودند و تمام مسق صکسبه را غارت نمودند، هشت نه ماه است غالب حال التجارة تجار از انتشارش راه بنارت رفته و ابواب داد و ستد بکلی مسدود شده از عبور و مرور قشون استبداد بلوکات آن از تجار و سبیرم و قبیله و فریدن و قریایه و غیره و غیره نیست و نابود و ملائکین بچاره تمامی مالیات دهات را باید از جیب خود

مکتوب زوشهر

در عمره ۸ فصلی مسع در باب تعلیم اجباری بیان فرموده داد معنی داده و بدلائل صریح لزوم آن عاۃ العال تمدن را ثابت فرموده اند. ابدأ لارم به دلیل و برهان نیست که اگر ار ملت بدبخت بود از آبروه صدمه و بلیه بتواند ترقی و پیشرفتی نماید فقط ز راه معارف و تعلیم است و الا در صورتیکه از همان بی‌علی سازه در میان عموم رواج نداشت بهیچوجه ممکن نیست که کسی بتواند به سرعت آتیه ایرانستان بقدر داشته باشد بلکه برعکس - جهالت و بی‌علی همه ملل را به حرابی و ویرانی کشیده و تاریخ عالم سال میدهد که هر قومی به‌لای گزافرتند در نکتت حمل بود. مسئله در ایران به تجربه رسیده که اساس معارف تحصی (یعنی آب مدارس که اشخاص معین میگذارد) هیته معروض روال و فاست. مثلاً در یک شهر یک نفر حاکم بتاسس مدرسه میردازد و جدی هم آن را درست نگاه میدارد ولی همینکه آن شخص تشریف برد بن اساس هم فانی شد و مرد، از این رو نمیتوان هیچ اطمینانی از این گونه مدارس تحصیه که در ایران مفتوح و برقرارند پیدا نمود بلکه باید اصول تعلیم اجباری را اجراء داشت و بجهت دوام جنین اساسی میلی از مالیات همان مباحث را برای مصارفش معین نمود

چیزی که بیشتر از هر چیز عجله و شتاب را در اجراء این کار ضرور میدارد همان جهالت مردم است که تا کنون نه تنها فواید تعلیم اجباری را ندانسته بلکه از همین اساسهای ناقص حالیه هم تنفر داشته اند و هیچ مدرسه در ایران دایر نشده مگر اینکه مورد تنفر و اهانت بعضی افراد قوم بوده یا هست. هنوز اگر کسی بتاریخ تأسیس مدارس ایران رجوع کند خواهد دید که مناقضت و معاندت پاره از مردم نسبت بان اساسهای خیر تا حد

بردازد هنوز نیز از همه جهت گرفتار و بهیچوجه دادرسی درباره آنها نمیشود و با این همه خسارات و اینکه هنوز از ثمره شجره مشروطیت بری نخورده گرفتار قواعد منحوسه استبداد هستند چگونه این تکلیف فوق‌الطایه را مانها میتوان کرد و چگونه تصور میشود در قبول این تکلیف حاضر باشند بر ما است که مطلب را عرض کنیم فردا اگر دوچار اشکالات شدید محل ایراد باشیم، خوبست عجله اولیاء امور اوقات شریف خودشان را مصروف اجراء قوای مشروطیت بفرمایند تا این اهالی بعد از زحمت و صدمات و سختیا چندی راحت و شیرینی در حال و کام خود بیابند. پس از آن بعضی تکالیف مانها بشود، در این موقع اگر صلاح دانستید که مملکتی را بهیچان بیاورید در حالی که پیشرفت مصودی بشود مختارید و ما بتکلیف خودمان رفتار کرده‌ایم (و تقد اعذر من اندر) از بابت فروعات هم باشباه گذشته اصفهان مالیات و فروعات خود را که از بابت دبیرالملکی و امیری و غیره بوده بهتر از همه ما برداشته، بعضی وجوهات و فروعات هم جزو عمل آمده است مطابق حکم وزارت مالیه - سابق دریافت مینماید فقط برخی اجحافات مستحده طلالطانی بوده که حضرت احل آقای صمصام‌السلطنه بعد از ورود باصنهان بملاحظات رفع مناسد و اقبال مردم بمشروطیت و امیدواری عموم از روی تدبیر بسیار صحیح اعلام و اعلان بخشیدن آن نمودند و انجمن هم تصدیق نمود دیگر اختیار ما اولیاء امور است

(انجمن ولایتی - عموم علماء)

جبل‌الذین

این جواب تلگراف وزیر مالیه است که هفته گذشته درج نموده بودیم، حق این است که خجالت مانع ماست که مطالب این سؤال و جواب را تشریح دهیم - عجب تر اینکه تلگراف وزیر مالیه بانجمن ولایتی است و در جواب علماء را هم شریک نموده اند امیدواریم که وکلای محترم انجمن ولایتی اصفهان موقع نازک مملکت و حال دولت را ملاحظه نموده پس رجوع بمجواب خود فرمایند تا حل بسیاری از مشاکل برای آنها بشود.